

واحد ممیزی کتاب را حذف کرد

وزارت فرهنگ و ارشاد اعلام کرد که از این پس برای انتشار کتاب نیازی به مجوز وجود ندارد و ناشران تنها با ارائه درخواست کافذ می‌توانند سهمیه مورد نیاز را برای چاپ و نشر کتاب خود دریافت کنند. این تصمیم در نشست اخیر مدیر کل مرکز چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ناشران کشور، با آنها ابلاغ شده است. اگر این تصمیم عملی شود از این پس وزارت فرهنگ و

به مناسبت سومین سالگرد فاجعه کشتار همگانی

زندانیان سیاسی

یاد بخون سرشته بیداران

سومین سالگرد فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران را پشت سر می‌گذاریم. روز ویژه‌ای را برای این قتل‌عام وحشیانه که فاجعه ملی نام گرفته است نمی‌توان تعیین کرد، زیرا که نه در یک روز بلکه در سرتاسر روزهای شهریور و سه‌ماهه پاییز سال ۱۳۶۷، حکومت اسلامی هر روز ده‌ها و صدها زندانی سیاسی را دسته‌دسته به بالای چوب‌های دار فرستاد، به جوخه‌های اعدام سپرد و حتی در سالن‌های در بسته منفجر کرد و در گورهای دسته‌جمعی به خاک سپرد. جزئیات این قتل‌عام وحشیانه هنوز پس از ۳ سال نامعلوم است. نه تعداد قربانیان این جنایت، نه نام بسیاری از شهیدان، نه چگونگی شهادت و نه محل دفن آنها، هیچ‌کدام روشن نشده است. سران رژیم هیچ‌گاه به این جنایت هولناک اعتراف نکرده‌اند و کماکان به توطئه سکوت ادامه می‌دهند، اما در میان مردم و نیروهای اپوزیسیون سخن از کشتار ۳ تا ۴ هزار تن میرود. تصمیم این قتل‌عام وحشیانه در جمع بالاترین سران رژیم و به دستور و تأیید خمینی اتخاذ شد. رهبرش کثوفی جمهوری اسلامی از جمله‌هاشمی رنستجانی و خامنه‌ای‌ها ملین در جه اول این جنایت هولناک بودند.

قتل‌عام زندانیان سیاسی بیش از آنکه نشانه ددمنشی و کینه توزی رژیم نسبت به مخالفین خود باشد، نشانه‌ای از هراس آن از آینده‌اش بود. جمهوری اسلامی در طول یک دهه حکومت خود از سال ۵۷ تا ۶۷ هزاران مخالف را به بند کشید و زندان‌های پر شمار خود را از مبارزان سیاسی انباشت. وحشیانه‌ترین شکنجه‌های شکنجه‌گران رژیم در کنار اعدام‌هایی که به ویژه از سال ۶۰ به بعد بی‌وقفه ادامه داشت، نتوانست مقاومت زندانیان سیاسی را درهم بشکند و آنها را به تمکین در برابر حکومت فقها و اادار سازد. زندان‌ها به ویژه به همت زندانیان وابسته به سازمان‌های چپ به مرکزی جبهت مقاومت علیه حکومت اسلامی تبدیل شد و آوازه ایستادگی زندانیان سیاسی دیوارهای بلند زندان‌ها را در نوردید. رژیم که در وجود این نیروی مبارز و تسلیم‌ناپذیر، پیشتر از مقاومت جنبش ضد دیکتاتوری را می‌دید، در روزهای پس از تسلیم خفت‌بارش در جنگ ۸ ساله سرانجام دست به نابودی دسته‌جمعی آن‌ها زد تا هم آن نیروی مقاوم را از بین ببرد و هم با استفاده از رعب و وحشت ناشی از این قتل‌عام، روحیه مبارزه و مقاومت را تضعیف کند.

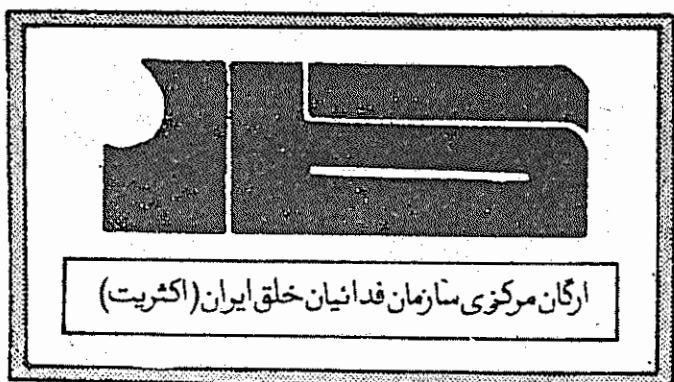
کشتارهای رژیم با انجام این جنایت هولناک پایان نپذیرفت. از سال ۶۷ تاکنون اعدام مخالفین و مبارزین در ایران بی‌وقفه ادامه داشته است. حکومت جمهوری اسلامی هم چنان در راس حکومتی است که حقوق بشر را گدما می‌کند. رژیم سال ۹۱ میلادی، طی ۹ ماه، بیش از هر دولتی در جهان به اعدام زندانیان دست زده است و ترور و کشتار مخالفین را به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش داده است. علیه‌قم این کارنامه سیاه، کسانی که خود حامیلین و تصمیم‌گیرندگان اصلی فاجعه ملی سال ۶۷ و جنایات بیشمار پس از آن بوده‌اند، امروز به مقتضای زمان می‌کوشند از خود چهره‌هایی دم‌مکرات و طرفدار حقوق بشر بسازند و با اختفای جنایات روزمره‌شان، فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی را از خاطر‌ها محو کنند.

اپوزیسیون آزادی‌خواه باید به سم خود در زنده نگاه داشتن خاطره این شهدا و در جلوگیری از نشستن گرد فراموشی بر این جنایت محیب تلاش ورزد و نگذارد که همی که در قلوب مبارزین، آزادیخواهان و همه انسانهای شریف برای برپیدن بساط این شکنجه‌گران جزم شده است خدشه دار گردد. بزرگداشت خاطره شهدای فاجعه ملی تنها ادای دین به هم‌زمان به خاک افتاده نیست، انشای رژیم اسلامی است، محکومیت آن است، دمیدن بر آتش مقدس مبارزه پیگیر با حکومتی فاسد، جنایتکار و استبدادی است. زنده نگاه داشتن همی به آزادی است. یک جنبش و یک سازمان مبارزه‌جو همواره نیاز دارد که بازنده نگاه داشتن خاطره شهدای خود از زندگی و پیکار دلیرانه و فداکارانه آنان در راه آزادی و بهروزی مردم، العام گیرد و پیکار دلیرانه و ارزشمعی والی آنها تجدید همی کند؛ که هیچ جنبشی در پیکار علیه دشمنی خودکامه و مستبد بی‌تجهیز باین میراث معنوی العام بخش، پیروز نخواهد شد.

امثال و حکم؛ پژواک تجارب توده‌ها

آیا جهان یک بازار است؟

در آستانه کنفرانس صلح خاورمیانه



چهارشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۷۰
۱۶ اکتبر دوره سوم شماره ۲۱

با تصویب و اجرای "لایحه دادگاه‌های عام"

نظام قضایی کشور به ۱۴۰ سال قبل برمی‌گردد

از بدو پیروزی انقلاب اسلامی اندیشه دگرگونی سیستم قضایی و منطبق کردن آن بر سیستم قضایی اسلام در بین سران رژیم حاکم مطرح بود. در اواسط دوره دوم مجلس شورای اسلامی در جلسات مشترک شورای عالی قضایی و کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس، هیئتی انتخاب گردید تا این مسئله را مورد بررسی قرار دهد. این هیئت طرحی را تدوین کرد که به تصویب شورایعالی

مجلس شورای اسلامی طرح و کلیات آن با رای قابل توجهی به تصویب رسید و به کمیسیون قضایی مجلس احاله گردید تا آنرا برای طرح در شور دوم مجلس تدقیق نماید. "لایحه تشکیل دادگاههای عام" در صورت اجراء، نظام قضایی کشور را به کلی دگرگون خواهد نمود. مطابق مواد این لایحه "به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی

و ایجاد مرجع قضایی واحد دادگاههایی با صلاحیت عام تشکیل خواهد شد" (ماده یک). "دادگاههای مزبور رسیدگی به کلیه امور مدنی و جزایی و جسمی را همده دار خواهند بود" (ماده سه). "کلیه اقدامات و تحقیقات ضروری از شروع تا خاتمه رسیدگی، هم چنین اظهار نظر

اعتراض وزارت فرهنگ و ارشاد

به محاکمه غیر علنی مدیر روزنامه خراسان

با تمام وجود افسس کرده‌اند" (کیهان ۳۱ شهریور ماه ۷۰). در مطلب مندرج در روزنامه خراسان نوشته شده بود که خامنه‌ای از حذف تدریجاً توسط جناح حاکم حمایت میکند. بازداشت و محکومیت او در رابطه با این موضوع است. دادگاه مدیر مسئول روزنامه خراسان روز ششم مهر ماه بطور

غیر علنی و بدون حضور هیئت منصفه تشکیل گردید و او را به سه سال تبعید در قم محکوم نمود. و این در حالی است که بعد از جریان نشریه گردون، به تقاضای هده زیادی از نشریات، هیئت منصفه مطبوعاتی مطابق قوانین مطبوعات مصوب مجلس شورای اسلامی تشکیل شده و روز دوم مهر ماه اسامی چهارده تن اعضای

اصلی و محل البدل این هیئت منصفه در رسانه‌های گروهی اعلام گردیده بود. در جلسه مشترک مسئولان توه قضاییه و وزارت ارشاد و فرهنگ در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۱ تاکید شده بود که با توجه به صراحت مفاد قانون اساسی و قانون مطبوعات

گسترش حملات نژادپرستانه

علیه شهروندان خارجی در آلمان

آلمان درست یک سال پس از وحدت، شاهد یک سلسله حملات باند‌های فاشیست به محل‌های سکونت متقاضیان پناهندگی و سایر شهر و ندان خارجی متقیم این کشور بود. در دهجا شهر آلمان، دستجات نژاد پرست و گروههای نئونازی، با ضرب و شتم اتباع خارجی، به آتش کشیدن خوابگاههای متقاضیان پناهندگی و ایجاد جو اهراب و وحشت، سالها و ماههای پیش از به قدرت رسیدن فاشیست‌ها در سال ۱۹۳۳ راه‌یاد آوردند. جنایتکاران نازی با انداختن بمب آتش‌زابه داخل محل سکونت یک خانواده لبنانی در شهر دویسبورگ، سه کودک را تاحدی سوزاندند که تا ساعتها خطر مرگ آنها را تهدید می‌کرد. در شهر گوتا واقع در تلمرو سابق آلمان شرقی، فاشیست‌ها یک نظامی شوروی را از بالاترین طبقه ساختمان محل سکونتش به زیر انداختند و او را به شدت مجروح کردند.

ایستادگی کنند. گسترش خشم افکار عمومی از جنایات نئونازی‌ها به حدی بود که ریشارد

نون وایتس کر رئیس جمهوری آلمان طی دیداری از یک خوابگاه بقیه در صحنه ۶



تشدید حملات فاشیستی علیه اتباع خارجی، مردم مترقی و نیروهای دمکرات آلمان را بر آن داشت که با سازماندهی اقدامات اعتراضی، تحصن‌ها و تشکیل خط زنجیر در برابر خوابگاههای پناهندگان، در برابر فاشیست‌ها

در صحنه ۵

صحنه ۷

صحنه ۱۰

با تصویب و اجرای "لایحه دادگاه‌های عام"

نظام قضایی کشور به ۱۴۰ سال قبل برمی‌گردد

وزارت فرهنگ و ارشاد واحد ممیزی کتاب را حذف کرد

بقیه از صفحه اول

قضایی و انشاء رای بوسیله حاکم دادگاه صورت خواهد گرفت" (ماده سیزده). "پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات می‌تواند به دستور وزیر نظر حاکم دادگاه و بالفاظ موازین شرح و قانون بوسیله قضات تحقیق به عمل آید یا برخی از اقدامات و تحقیقات به همین ترتیب توسط ضابطین دادگستری یا مراجع ذیصلاح دیگر انجام پذیرد" (تبصره ۱ ماده سیزده). "قضات تحقیق تحت نظارت و تعینات قضات و دادگاه‌های عام منطبقه قضایی خود عمده دار انجام کلیه امور مرجوعه در جریان تعقیب و رسیدگی می‌باشند" (ماده چهارده).

خواهند افزود. در حالیکه با تشکیل دادگاه‌های عام نه تنها بر سرعت رسیدگی بدعای انزوده-نمیشود بلکه کنده کارها انزود تر خواهد شد. زیرا تقسیم کاری که بر اساس تخصص و تجربه قضات و دادیاران و بازپرسها وجود دارد، تا حدود زیادی. موجب تسهیل و تسریع کارها میشود. در موضوع قضا آنچه اهمیت اساسی دارد رعایت عدالت و قضاوت صحیح و بحق است. شرط اولیه تامین این امر، دانش و تجربی قاضی است. در جوامع کنونی امور قضائی و حقوق به رشته‌های گوناگون تقسیم شده است. برای هیچ کس امکان پذیر نیست که در همه رشته‌های مختلف حقوق جزا، حقوق مدنی، حقوق بازرگانی، حقوق کار و بیمه‌های بری و بحری و هوائی و ثبت اسناد و املاک، ثبت شرکت‌ها و موسسات صنعتی و اختراعات و... صاحب تخصص و مهارت باشد. یک قاضی به هیچ وجه نمیتواند به کلیه مسائل فوق رسیدگی کرده و رای صحیح و منطبق با قوانین صادر نماید. بالتسبیح با اجرای دادگاه‌های عام، ناخوارچیا و مشکلات غیر قابل وصفی بوجود خواهد آمد و رای‌های بشدت ناعادلانه و نادقیق صادر خواهد شد.

وجود مشکلات بی‌شمار و بوروکراسی عظیم در سیستم قضائی کشور امری است مسلم. برای قلیه بر مشکلات باید نظام موجود دگرگون شود. ولی نظام جایگزین آن باید مترقی‌تر، جامع‌تر و متکی بر تجارب ارزنده قضات کشور ما و کشورهای پیشرفته باشد. لایحه دادگاه‌های عام نه گامی به جلو بلکه بازگشت به نظام قضائی جوامع قبیله‌ای است.

این لایحه با مخالفت جدی قضات و وکلای دانشجویان حقوق دانشگاه‌های کشور مواجه شده است. آنها مرتباً در روزنامه‌ها "لایحه دادگاه‌های عام" را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهند. فلامعلی سبحانی یکی از وکلای دادگستری در مورد این لایحه می‌گوید: "لایحه دادگاه‌های عام به صورتیکه از آن صحبت می‌شود برای آشنایان به علم حقوق و کسانیکه با امور قضاوت سرو کار دارند نه تنها تعجب‌آور بلکه غیر قابل تصور و باور نکرده‌نی است" (روزنامه کیهان ۱۸ شهریور ۱۳۷۵).

ولی مجلس شورای اسلامی بی‌توجه به این مخالفت‌ها و انتظارات کلیات لایحه را تصویب کرده است. توضیحات: "محاکم عمومی (حقوقی): رسیدگی به کلیه دعای حقوقی و امور حسبی جز آنچه که در صلاحیت دادگاه‌های صلح می‌باشد و رسیدگی به اعتراضات از احکام دادگاه‌های صلح. دادگاه‌های صلح: رسیدگی به کلیه دعای حقوقی (مالی) تا دو بیست هزار ریال. دادگاه مدنی خاص: رسیدگی به دعای راجب به نکاح-طلاق-نقته-مهر-خضانت-نسب و وصیت-وقف-ثلث-حبس-تولیت-وصایت-امور راجع به نصب قیم و ناظر بر وضع امین و منزل آنها. دادگاه کیفری یک: رسیدگی به جرائم که کیفر آنها اعدام-رجم-صلب-نهی-نهی بلبه به عنوان حد-جرمی که کیفر آن قطع یا تقض عضو یا ۱۰ سال زندان و جرایمی که کیفر آن معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر باشد.

بقیه از صفحه اول
سانسور رژیم مانع انتشار کتابهای متعدد شده و زبانهای مالی زیادی به ناشران وارد آورده است. ممیزی موجب شده بود که بسیاری از کتاب‌های نویسندگان، شاعران و پژوهشگران غیر وابسته به جمهوری اسلامی انتشار نیابد و انتشار آن بخش از کتابهای آنان که موفق به کسب مجوز شده بود نیز با چار و چنگال‌های تخطئه آمیز مطبوعات وابسته به حکومت مواجه گردیده است. شیوه کار وزارت ارشاد این بود که ناشرین یک نسخه از کتابهای چاپ شده را قبل از انتشار برای کسب مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد میدادند. اگر این وزارتخانه اجازه انتشار نمیداد تمام کتابهای چاپ شده روی دست ناشر و نویسنده می‌ماند و علاوه بر ضایعات دیگر موجب زیان مالی نیز میشد.

چنانکه ملاحظه میشود با تصویب و اجرای این لایحه، دادسرا منحل میگردد و امور کیفری مستقیماً در دادگاه مطرح خواهند شد. دادگاههایی که به کلیه امور جزایی، تجاری، حسبی، مدنی و خانوادگی رسیدگی می‌نماید. یعنی در کلیه دعای شاکتی و مدعی به دادگاه مستقیماً مراجعه و دعوی خود را مطرح می‌کنند و دادگاه هم اساساً رسیدگی و حکم صادر میکند و یا اینکه موضوع را به قاضی تحقیق ارجاع میدهد و قاضی تحقیق پیرامون موضوع در حدی که بتواند بررسی کرده و نتیجه را به قاضی دادگاه میدهد.

دلیل اصل تدوین کنندگان این لایحه عبارتند از: ۱- اسلامی کردن نظام دادرسی. در نظام قضایی اسلام دادرسی از ابتدا تا انتها و تا صدور رای نهایی به عمده یک قاضی با صلاحیت عام می‌باشد و بنا بر این نظام دادرسی فعلی (در امور کیفری) که مرحله تعقیب و تحقیق تا صدور کیفرخواست به عمده دادسرا و دادرسی و صدور رای به عمده دادگاه گذاشته شده است مغایر شرح می‌باشد. ۲- سیستم دادرسی فعلی، کنده در رسیدگی به دعای را موجب گشته است و اجرای "لایحه دادگاه‌های عام" سرعت لازم را به جریان دادرسی خواهد بخشید. تدوین کنندگان لایحه بر این تصورند که با حذف دادسرا و ارجاع مستقیم پرونده‌های کیفری به دادگاه، بر سرعت کارها

در حال حاضر حداقل ۵۰ درصد پرونده‌ها در دادسرا با صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب، از جریان رسیدگی خارج می‌شود و باقیمانده پرونده‌ها به دادگاه ارجاع میگردد. با این وجود وقت دادگاه‌ها کم ماهه و یکساله است. حال اگر دادسرا حذف شود و کلیه پرونده‌های کیفری مستقیماً به دادگاه ارسال گردد، در عمل اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌ها مطابق ماده ۱۴ لایحه به قضات تحقیق سپرده خواهد شد و بالتسبیح وضع به مراتب بدتر خواهد شد.

توضیحات: "محاکم عمومی (حقوقی): رسیدگی به کلیه دعای حقوقی و امور حسبی جز آنچه که در صلاحیت دادگاه‌های صلح می‌باشد و رسیدگی به اعتراضات از احکام دادگاه‌های صلح. دادگاه‌های صلح: رسیدگی به کلیه دعای حقوقی (مالی) تا دو بیست هزار ریال. دادگاه مدنی خاص: رسیدگی به دعای راجب به نکاح-طلاق-نقته-مهر-خضانت-نسب و وصیت-وقف-ثلث-حبس-تولیت-وصایت-امور راجع به نصب قیم و ناظر بر وضع امین و منزل آنها. دادگاه کیفری یک: رسیدگی به جرائم که کیفر آنها اعدام-رجم-صلب-نهی-نهی بلبه به عنوان حد-جرمی که کیفر آن قطع یا تقض عضو یا ۱۰ سال زندان و جرایمی که کیفر آن معادل ۲۰۰ هزار تومان و بالاتر باشد.

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه اول
رژیم از اجرای آن سر باز زنند. رژیم باید از برگزاری دادگاه‌های در بسته خودداری کند و طبق مصوبه فوق که البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز تصریح شده است، به کلیه متهمین سیاسی و فیزیسیسی امکان داده شود که از وکیل مدافع برای دفاع از حقوق خود استفاده کنند. طبیعی است که کلیه احکامی که تاکنون در دادگاه‌های در بسته و بدون حضور وکیل مدافع و با اعمال فشار و شکنجه صادر شده است، غیرقانونی است. ضروریست که برای استیفای حقوق پایمال شده آنها که زنده اند و بدست جوخه‌های اهلام سپرده نشده‌اند، اقدامات فوری صورت گیرد و دادگاه‌های آنها با تنظیم پرونده‌های جدید و با حضور وکیل مدافع در تمامی مراحل تجدید گردد.

باید با بهره گیری از این قانون از تکرار نجا یعنی که تاکنون در بازداشتگاه‌ها و بازجوئی‌های وحشیانه و توام با شکنجه از بازداشت شدگان بویژه مخالفین سیاسی رژیم انجام شده است جلو گرفت. این معجم بر عمده همه افراد ذینفع و نیز وکلای شرافتمند است که در راه اجرای آن پافشاری کنند.

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

دیدار رئیس جمهور ترکمنستان شوروی از تهران

سه شنبه هفته گذشته نیاف رئیس جمهوری ترکمنستان شوروی در راس هیاتی ۶ نفره برای دیداری دو روزه از ایران وارد تهران شد. نیازف در این دیدار با هاشمی رفسنجانی نیز ملاقات و پیام کتبی میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی را تسلیم وی کرد. در ملاقات‌های نیازف با مقامات تهران طرفین سه شنبه هفته گذشته نیاف رئیس جمهوری ترکمنستان شوروی در راس هیاتی ۶ نفره برای دیداری دو روزه از ایران وارد تهران شد. نیازف در این دیدار با هاشمی رفسنجانی نیز ملاقات و پیام کتبی میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی را تسلیم وی کرد. در ملاقات‌های نیازف با مقامات تهران طرفین تمایل خود را برای گسترش مناسبات با یکدیگر اعلام کردند. قبل از سفر نیازف، روز اول مهرماه مرز میان ایران و جمهوری ترکمنستان در باجگیران طی مراسمی با حضور مقامات طرفین بازگشایی شده بود. طی یادداشت تفاهمی که در سفر نیازف میان او و مقامات جمهوری اسلامی به امضا رسید.

لایحه "پذیرش وکیل مدافع"

از تصویب مجمع تشخیص مصلحت گذشت

بقیه از صفحه اول
رژیم را به قبول رعایت موازین و رفتار انسانی با مخالفین و متهمین و برخورداری آنها از حق دفاع مسلح، دادگاه ویژه روحانیت و... وظیفه دارند در کلیه مراحل دادرسی و بازرسی و تحقیق، حضور وکیل مدافع از جانب صاحبان دعوا را بپذیرند. در این ماده درباره ضمانت اجرای چنین وظیفه‌ای تاکید شده است که اگر قاضی دادگاه به وکیل مدافع امکان انجام وظیفه ندهد، مورد مجازات قرار خواهد گرفت و ارتکاب به چنین عمل خلافی برای بار دوم قاضی مزبور را از ادامه قضاوت محروم خواهد ساخت.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت بدون حضور ناشران ایرانی گشایش یافت

امسال نیز نمایشگاه کتاب فرانکفورت بدون حضور ناشران و نویسندگان ایرانی گشایش یافت. این سومین سال پیاپی است که بخاطر فتوای قتل سلیمان رشدی از سوی خمینی، ناشران و نویسندگان کشورهای اروپایی آثار خود در این نمایشگاه که یکی از بزرگترین نمایشگاه‌های کتاب در جهان است، محروم می‌شوند.

ترتیب دهندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت در آغاز، با حضور ناشران غیر دولتی ایران در نمایشگاه امسال موافقت کرده بودند، اما گویا برخی موسسات دولتی از جمله موسسه اطلاعات نیز جزو لیست ناشران ایرانی شرکت کننده در نمایشگاه بودند. این مسئله با اعتراض گسترده مطبوعات و روشنفکران آلمان

اعتراض وزارت فرهنگ و ارشاد به محاکمه غیر علنی مدیر روزنامه خراسان

هیات منصفه در محاکمه دادگستری صورت می‌گیرد و ماده ۳۴ قانون مطبوعات مصوب مجلس شورای اسلامی اعلام می‌دارد که: "به جرائم ارتكابی بوسیله مطبوعات در دادگاه صالحه یا حضور هیات منصفه رسیدگی می‌شود."

در اطلاعیه وزارت فرهنگ و ارشاد از قوه قضائیه خواسته شده است که: "تدابیر لازم را جهت رعایت موازین قانونی در رسیدگی به اتهامات و جرائم مطبوعاتی بویژه علنی بودن دادگاهها و حضور هیات منصفه در جلسات محاکمه را معمول دارند."

رویدادهای اقتصادی محصولات کشاورزی و واسطه‌ها

وزارت کشاورزی به تولید کنندگان بیش از ۳۰ نوع محصول قول داده است که مطابق نرخ تضمینی محصولات کشاورزان باغداران را بخرد و شرایط خرید را به نحوی آماده سازد که مراکز خرید بدون هیچ هذروبعانه‌ای با داشتن امکانات کافی همواره آماده خرید از تولید کنندگان باشند. باین معنی که هر تولید کننده‌ای که خواست محصول مازاد خود را به دولت بفروشد بدون کوچکترین مانعی اینکار انجام گیرد. اکنون به نوشته مطبوعات کشور در ماههای قبل که زمان برداشت محصول گندم بود بجای ماموران دولتی، گروه زیادی از واسطه‌ها و دلال‌ها برای خرید مازاد محصول گندم از زراعت به خرید محصول باقیمت ارزان و زیر قیمت تضمینی اقدام می‌کنند و بدین طریق دسترنج یکساله کشاورزان را با قیمت‌های پایین به چنگ می‌آورند و در انبارها تلنبار می‌کنند تا به قیمت بالا روانه بازار کنند.

در حالیکه وقتی زارهی برای فروش محصول خود به مراکز خرید دولتی مراجعه می‌کند بعضی می‌گویند فعلا کیسه نداریم، عده‌ای نبودن کامیون و نداشتن انبار کافی را عذر می‌آورند و برخی نیز می‌گویند هنوز پولی از این باب در اختیار ما گذاشته نشده است. طبعاً کشاورز دارای آن امکان و

مدتی است که مساله تهیه نان به یکی از مشکلات مردم تبدیل شده است. با کاهش سطح درآمد مردم و با افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها، نان در تامین مواد خوراکی مردم جای بیشتری پیدا کرده است. ولی کمبود نان و عرضه نامطلوب آن چشمگیر است. مردم باید برای تهیه نان چند ساعت از وقت خود را در روز در صف‌های ناوانی بایستند و در مواردی نیز با دست خالی بخانه‌ها برگردند.

حاد شدن این مسئله موجب شکایت برخی از نمایندگان در مجلس شورا شده است. موسوی نماینده اهواز می‌گوید از جمله مسائلی که مردم اهواز از آن رنج می‌برند و کراراً به مسئولان تذکر داده شده است مساله کمبود نان و عرضه نامطلوب آن است. شهروندان اهوازی از ساعت ۴ صبح برای تهیه نان به ناوانی می‌روند و ساعت هشت به دلیل عدم عرضه نان با دست خالی بخانه برمیگردند.

این کار است. رژیم را که هزاران روشنفکر و نویسنده ایرانی را در داخل کشور به جوخه‌های اعدام سپرده و یاروانه زندان‌ها کرده و در خارج ایران برای نویسندگان فتوای قتل صادر می‌کند و یا مترجمین کتاب سلمان رشدی را به قتل می‌رساند باید مورد نکوهش و هتایب همه جهان قرار گیرد. اما این امر نمی‌باید موجب محرومیت ناشران و نویسندگان ایرانی از شرکت در این نمایشگاه شود، چه بسیاری از آنها خود زیر انواع فشارها و تضحیقات ضد فرهنگی رژیم قرار داشته و دارند. این امر می‌بایست مورد توجه مسئولین برگزارکننده نمایشگاه قرار می‌گرفت و تدبیری برای عرضه و ارائه آثار ناشران غیردولتی ایران اتخاذ می‌شد.

بازداشت و محاکمه غیر علنی مدیر روزنامه خراسان

بدون شک، بی توجهی به قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه، موجب پیدایش یاس و رکود در جامعه گردیده و زمینه ساز سلب امنیت شغلی، سیاسی و اجتماعی مردم خواهد شد...

وحید احمد نماینده کنگاور، هرسین و صحنه هم از مشکل نان شکایت می‌کند و می‌گوید که مشکل نان شهر مهم از نامرغوبیت، کمبود، شوری، توزیع ناسالم و عدم نظارت و کنترل که باید متأسفانه گفت هر خانواده باخرانی ناچار است برای ماندن در صف ناوانی و خرید نان وقت یک نفر از اعضای خانواده را بآن اختصاص دهند.

گزارش بانک مرکزی از افزایش قیمت‌ها

بگزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی در هفته منتهی به ۷/۵/۲۵ میوه فروشیهای سطح شهر انواع میوه را بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بالاتر از بهای این اقلام در میادین زیر نظر شهرداری به فروش می‌رسانند. تخم مرغ شانهای ۱۱۰۰ تا ۱۵۰۰ ریال بفروش می‌روند. در هفته مورد گزارش میادین زیر نظر شهرداری اقلام میوه و سبزی را به نرخ‌های سازمان میادین میوه و تره بار شهرداری تهران در اختیار مشتریان قرار میدادند ولی در گروه میوه بجز سیب درختی، هلو و شلیل کیفیت سایر اقلام نامطلوب بود. در گروه میوه، بهای کیلاس ۲۸/۸ درصد، آلو قطره ۹/۲ درصد و درصدهای دیگر ۱۰/۹ درصد، طالبی ۱۰/۶ درصد و هندوانه ۹/۵ درصد تنزل یافت. در هفته مورد گزارش بهای گوشت مرغ ۶/۴ درصد بالارفت. در این هفته بهای آزاد تند ۱/۶ درصد، شکر ۰/۱ درصد و روغن نباتی ۰/۲ درصد افزایش داشته ولی قیمت ازادچای ثابت بود.

افزایش نقدینگی

رفسنجانی و همکاران او در

روابط اقتصادی ایران و آلمان رونق می‌یابد

به گزارش مطبوعات آلمان، صادرات این کشور به ایران برخلاف صادرات آلمان به سایر کشورها، که ماهیست وضع چندان خوبی نداشته است، دوره رونق را از سر می‌گذرانند. حجم صادرات آلمان به ایران در سال ۱۹۹۰ افزایشی به میزان بیش از ۶۰ درصد را نشان می‌دهد. به گفته هربرت ریدل، رئیس اتاق بازرگانی آلمان و ایران در هامبورگ، این رونق رادامه می‌یابد. در شش ماهه نخست سال ۱۹۹۱، صادرات آلمان به ایران به سه میلیارد مارک رسید. این رقم در مقایسه با دوره مشابه سال گذشته یک افزایش ۸۴ درصدی نشان می‌دهد.

بیشترین سهم معاملات پرسود صادرکنندگان آلمانی به ایران را ماشین‌ها و تاسیسات صنعتی به خود اختصاص داده است. در حالیکه در شش ماهه نخست سال ۱۹۹۰ رقم صادرات این بخش به ایران ۳۸۲ میلیون مارک بود، در مدت مشابه امسال حجم صادرات آلمانی به ایران به ۷۸۶ میلیون مارک بالغ شد. مقام دوم را صنایع برق احراز کرده است. صادرات این صنایع از ۳۴۸ میلیون مارک به حدود ۴۹۰ میلیون مارک افزایش یافت. رده سوم متعلق به سازندگان اتومبیل است که صادرات آنها از حدود ۱۶۴ میلیون مارک به ۴۳۷ میلیون مارک رسید. کشاورزی آلمان، در صادرات به ایران سریع‌ترین آنگ رشد را داشته است. در مقایسه شش ماهه نخست سال جاری با سال گذشته، صادرات کشاورزی با رسیدن به حجم ۲۰۳ میلیون مارک، بیش از چهار برابر شده است. این در حالی است که صنایع شیمیایی

شهرمدن موفقیت‌های دولت در زمینه مسائل اقتصادی، کاهش نرخ رشد نقدینگی را بعنوان یکی از معیارهای مهم نام می‌برند ولی از ارائه آمارهای دقیق در این مورد اجتناب میکنند. اخیراً حسین قاضی زاده هاشمی نماینده فریمان، احمدآباد و سرخس آمارهای از میزان رشد نقدینگی در سالهای ۶۸ و ۶۹ ارائه داده است. این آمار نشان میدهد در این دو سال نرخ رشد نقدینگی هم چنان رقم بالایی بوده از رقم منظور شده در برنامه پنجساله بالاتر رفته است. بگفته او: "سیاست ما در کسری بودجه این بوده است که نقدینگی را کنترل کنیم. اما متأسفانه در سال ۱۳۶۸ بیش از ۱۹ درصد رشد نقدینگی داشته ایم و برای سال ۱۳۶۹ که طبق برنامه ۱۵/۳ درصد رشد نقدینگی پیش‌بینی شده است نقدینگی در کشور ما ۲۲ درصد رشد داشته است. تذکر میدهم که بعلت افزایش بانکی سپرده‌های مردم به ۱۳ درصد (یعنی یک نفر با سپردن ده میلیون تومان در بانک، برای یکسال یک میلیون و سیصد هزار تومان دریافت می‌کند) و به دلیل وجود محدودیت‌های زیربنایی و موانع سرمایه‌گذاری اولیه است که نقدینگی افزایش یافته است." (کیهان ۳۱ شهریور ۷۵).

افزایش قیمت مرغ، تخم مرغ و گوشت قرمز

قیمت برخی از مواد غذایی

آلمان در شش ماه نخست ۱۹۹۱ به ارزش ۳۲۲ میلیون مارک صادرات به ایران داشت که این رقم در مقایسه با سال گذشته ۸ درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین واحدهای اقتصادی پنج ایالت جدید شرق آلمان از افزایش صادرات به ایران سهمی نبرده‌اند. آنها در شش ماه نخست سال جاری تنها ۴۷ میلیون مارک صادرات به ایران داشتند. این کاهش تغییراتی در روند صعودی کلی نمی‌دهد. رئیس اتاق بازرگانی آلمان و ایران معتقد است "این روند تا پایان سال ۱۹۹۱ در همین جهت ادامه خواهد یافت."

اگر متاملت نغتی را در نظر بگیریم، آلمان مهم‌ترین شریک تجاری خارجی جمهوری اسلامی است. آلمانی‌ها در تجارت با ایران، با انگلیسی‌ها، فرانسوی‌ها، ایتالیایی‌ها و نیز ژاپنی‌ها و بره‌جنوبی که در استخراج نفت و کوه‌بازرسی بخش ساختمان فعالیت زیادی دارند، رقابت میکنند. گرت آدومایت، کارشناس تجارت خارجی اتاق صنایع و بازرگانی آلمان، معتقد است که همکاری اقتصادی با ایران در "مسیر خوبی" جریان دارد و "دیگر موارد اختلاف ویژه‌ای وجود ندارد." او تنها برخی خواسته‌های جمهوری اسلامی مانند تقاضای خرید زیر دریایی یا ادامه ساختمان نیروگاه اتمی بوشهر را از این روند مستثنی می‌داند و می‌گوید: "اینها مسائل دائمی‌اند که نیاز به حل سیاسی دارند." آدومایت می‌گوید یکی از هزل رونق تجارت ایران و آلمان این است که شرکتها و اتاق بازرگانی آلمان همواره حضور خود را در تهران حفظ کرده‌اند، و

بخصوص مرغ، تخم مرغ و گوشت قرمز باز هم افزایش یافته است. بعد از برچیده شدن کوپن مرغ و تخم مرغ مدتی کوتاه قیمت آنها کاهش یافت، اما پس از چند روز قیمت مرغ و تخم مرغ رو به افزایش گذاشت. قبلاً تولیدکنندگان تخم مرغ را به دولت می‌فروختند، ولی زمانیکه کوپن حذف شد تخم مرغ تولید شده روی دست آنها ماند، بهمین علت آنها مجبور شدند برای جلوگیری از فاسد شدن، تخم مرغ‌ها را با قیمت پائین به بازار عرضه کنند. الان تولیدکنندگان با بالا بردن قیمت تخم مرغ درصد جبران ضررهای وارده برآمده‌اند. بعلاوه جلوگیری از واردات مرغ از سوی دولت برای حمایت از مرغ‌داران، گران شدن مواد اولیه برای تولید مرغ و تخم مرغ و دیر رسیدن تسهیلات دولتی بدست تولیدکنندگان در افزایش قیمت این کالاها مشروط واقع شده است. شورای عالی اقتصاد در زمان حذف کوپن قیمت مرغ بصورت تضمینی هر کیلو ۱۰ تومان تخم مرغ ۵۵ تومان تعیین کرده بود. در آن زمان در بازار آزاد قیمت هر کیلو مرغ ۱۲۰ تومان بود ولی اکنون به ۱۷۵ تومان افزایش یافته است. افزایش قیمت مواد غذایی روی دوش مردم کم درآمد شدیداً سنگینی میکند. یکی از کارمندان به خبرنگار کیهان می‌گوید: "من از وقتی که قیمت

بقيه در صنفه ۴

بقيه در صنفه ۴

از زندگی در دناک مردم

آن روز که آب را بروی بچه ها بستند!

و بالتجربه در صف های طولانی ساعت ها نمی ایستند و از ناراحتی مردم هم در صف های متعدد خبری ندارند و یا به آن توجهی نمی کنند. آن چیزی که برای مقامات دولتی مطرح نیست رفاه حال مردم است.

گرانی کمر مردم را شکسته است

از حرف های مردم با گزارشگر کیهان: «... پیرمردی سعی دارد که از لابلای جمعیت جلو بیاید. ریش های بلندش یک دست سفید است. حالتی از گرانگاری در چهره اش دیده می شود. دستانش به شدت می لرزند. خود را از راهی پدر ۶ شهید به نام های غلام، حسن، محمد، جواد، احمد معرفی می کند. می گویم: پدر اسم دیگر شهیدتان چیست؟ دوباره اسم را تکرار می کند ولی باز نام فرزند ششم را فراموش می کند. دست به جیب می برد و کارت بنیاد شهید را نشان می دهد. صدایش نیز پیر شده و با ادبی هر کلمه لرزش عجیبی در تارهای صوتی اش احساس می شود.

آقا مسئولان باید کاری کنند که آبروی مردم پیش خارجی ها نریزد. باید مردم بتوانند یک لقمه نان پیدا کنند. آقا به خداگراتی خدا... بغضش می ترکد و حق گرفته امکان ادامه صحبت را به او نمی دهد. همه از حرف های پیرمرد متأثر می شوند و او انگار که خجالت کشیده باشد عقب عقب رفته صحنه را ترک می کند» (کیهان ۱۹ شهریور ۱۳۷۰)

«من کاری ندارم این کسانی که تلویزیون با آنها مصاحبه می کند، از کجا هستند، چه کاره اند و وضع زندگیشان چگونه است، اما این را می دانم کسانی که در پاسخ خبرنگار تلویزیون در مورد آزاد شدن مرغ و تخم مرغ می گویند که بله، خیلی خوب شده، فلان شدو بهممان شده، حتما خریدن مرغ کلیوی ۱۸۰، ۱۹۰ تومنی برایشان مشکلی نیست! برای ما که خیلی مشکل است. برای یک مرغ ۵۰۰-۶۰۰ تومان پول بدهیم. حداقل تا وقتی که مرغ کوپنی بود، ما هر یک ماه ونیم، دو ماه، یکبار امید داشتیم که برای بچه ها مرغ درست کنیم، هر چند که توزیع آن درست نبود و سو استفاده های زیادی عرضه کنندگان مرغ می کردند، اما به هر حال حتی کم درآمدترین مردم هم امید استفاده از این ماده غذایی را داشتند، اما با آزاد شدن قیمت آن، یعنی با رسیدن نرخ مرغ به ۱۸۰ تومان، دیگر کدام خانواده کم درآمد، می تواند مثلا برای هائله ۶-۵ نغری خود مرغ تهیه کند. به فرض هم که دولت برای ۷۰۰ گرم، ۵۰ تومان هم بدهد، ۵۰-۶۰ تومان کجا، صدو هشتاد، نود تومان کجا! من فکر میکنم ما با حذف هر یک از اقلام کوپنی، با شیوه مرغ و تخم مرغ، سفره کم درآمدها را از آن ماده غذایی خالی می کنیم...» (کیهان ۲ شهریور ۱۳۷۰)

از وضعیت اسفبار بیمارستان ها

چندی پیش در بیمارستان هزار تخت خوابی که یکی از مهم ترین بیمارستانهای کشور است حادثه ای رخ داد که نمونه ای بارز از وضعیت اسفبار حاکم بر سیستم بهداشت و درمان در جمهوری اسلامی است. ماجرا از این قرار بود که در بخش مراقبت ویژه (سی، سی، سی، یو)، که تاهدتها باید به شدت تحت کنترل و تدابیر بهداشتی و ایمنی مخصوص باشد، کربهای مرتباً رفت و آمد داشت. شبی این کربه که هیچ در و چفت و بستى راه ورود او را به اتاق های سی، سی، سی، یو، مسدود نمی کرده روی تخت یک بیمار قلبی تحت مراقبت ویژه می پرد. بیمار بخت برگشته که بیست سال بیشتر نداشت از وحشتی که با پرش ناگهانی کربه بروی تختش بدان دچار می شود، در دم جان می سپارد.

جان بیمار در گروی "نخ بخیه"

«در بعضی بیمارستانهای دولتی برخی از وسایل درمانی که بسیار جنبه حیاتی برای بیمار دارند کمیاب است یا اگر پیدا شود با کیفیت پائین و در حد اندک پرسنل کادر درمانی مامائی زایشگاه فاطمیه شاهرود می گفت: "بعضی مواقع در حین عمل سزارین با "نخ بخیه" روبرو می شویم یا از نظر بهداشتی کمبود ملانه داریم و در نتیجه آنطور که شایسته است نمی توانیم نظافت و بهداشت را در مورد نوزادان و مادران رعایت کنیم و نیز بعضی داروهای حیاتی در بیمارستان ها کمیاب است." او می گفت: "حتی از نظر استاندارد تعداد نرس و ماما نیز آنقدر کمبود هست که یک نفر ماما که باید ۵ بیمار را سرویس دهد، مجبور است حدود ۱۵ نفر را سرویس دهد یعنی کارش ۳ برابر است و معلوم است در چنین مواردی به همان نسبت سه برابر کیفیت کادر درمانی و جراحی پائین می آید. این کمبود درباره پرستاران بیمارستانها نیز صادق است یعنی یک نفر پرستار مجبور است تا تعداد زیادی بیمار را سرویس دهد و انجا همه در امور درمانی اثر سوء می گذارند." (کیهان ۲۱ شهریور ۷۰)

هرگ یک پزشک

«پزشکی که دچار سکت قلبی شده بود به سه بیمارستان خصوصی انتقال داده شد و کادر پذیرش بیمارستانها یکی پس از دیگری از پذیرش این بیمار خودداری کردند که در اثر این

احمال، پزشک مربوطه در مسیر راه فوت کرد. بدنبال بروز این حادثه و شکایت بستگان پزشک متوفی که از پزشکان با تجربه بود، ۵ تن از مدیران و کادر درمانی ۳ بیمارستان خصوصی تحت تعقیب قرار گرفتند و جهت ادای پاره ای توضیحات به دادسرای ویژه تخلفات پزشکی و داروئی احضار شدند" (کیهان ۴ شهریور ۱۳۷۰)

فوت بیمار به دلیل عدم رسیدگی بیمارستان

«بنابر گزارش رسیده از گرانگان چندی پیش جسد پیرمردی از اهالی روستای بالاچان در مقابل بیمارستان ۱۵ آذر این شهرستان کشف گردید. متوفی یک هفته قبل جهت مداوا و بستری شدن به بیمارستان مراجعه نموده و لیکن به مسئولین بیمارستان به علت اینکه وی قادر به پرداخت مخارج و هزینه های درمانی نبوده و کسی را هم نمی شناخته از پذیرش او خودداری کرده اند. نامبرده مدت یک هفته را در پیاده روی مقابل درب بیمارستان بیتوته نموده و در این مدت چندبار نیز به اورژانس بیمارستان مراجعه ولی با پاسخ منفی روبرو شده است. ضمناً علت مرگ وی از طرف پزشک قانونی بیماری داخلی اعلام گردیده است.» (خبرنامه فرهنگی اجتماعی شماره ۶۷).

بچه دار شدی، باید بروی

پای صحبت صاحب خانه ها که می نشینی با وجود گرانی سرسام آور اجاره مسکن در سالهای اخیر بازم ناراضی اند و فوراً برای جمع و تفریق میکنند که مثلا آپارتمان یا منزل ما ده میلیون تومان می آرد اگر از قرار سود ۱۳/۵ درصدی که بانکها میدهند حساب کنیم باید در یکسال نزدیک یک میلیون و پانصد هزار تومان درآمد داشته باشیم یعنی خانه اجاره ای ما میشود ماهی حدود ۱۰۰ هزار تومان. حالا ببینید ما چقدر باانصافیم که پنجاه هزار تومان می گیریم. اکثر صاحب خانه ها امروزه قیمت ساختمانشان را با سود بانکی و سودهای کلان دلالتی می سنجند و یک کرایه نجومی بابت یک منزل ۲ اتاق خوابی معمولی مطالبه میکنند. اینطرف قضیه هم خیل سرگردان مستاجران هستند که و اتعاز گرانی سال بسال اجاره منزل به ستوه آمده اند و هر کدام شب و روز به دو شغل و سه شغل و مسافرکشی (اگر ماشین داشته باشند) و غیره می پردازند تا بتوانند سر برج اجاره های چندین هزار تومانی را بپردازند. یکی از بندگان خدا که تازه از دواج کرده بود و با پرداخت مبلغی کلان

بقوان رهن و کرایه ده هزار تومانی یک ساله منزلی را اجاره کرده است با ناراحتی میگفت: "صاحب خانه گفته چون بچه ندارید خانه را به شما دادم از همین الان بشما میگویم به محض این که بچه دار شدید باید منزل را تخلیه کنید چون من حوصله خرابکاری بچه ها ندارم." دیگری می گفت: "صاحب خانه بما اخطار کرده یاده هزار تومان اجاره را زیاد کن یا بلند شو. در حالی که اجاره قبلی اش ده هزار تومان بوده این بی انصاف یکباره می خواهد کرایه را دو برابر کند." نظیر این مستاجرها بسیارند که در گوشه و کنار شهرها در نگرانی دائمی بسر می برند که می ادا صاحب خانه یکبار به اجاره شان را زیاد کند و یا وادارشان نماید منزل را تخلیه کنند. عده ای هم که به تازگی ازدواج کرده و خصوصا کارگر و کارمند هستند در مانده اند که به چه نحوی کرایه های بالای ده هزار تومان را بپردازند یعنی اگر تمام حقوقشان را هم بدهند باز هم یک منزل معمولی در جنوب شهر به آنها نمی دهند.

وضع بازنشستگان سازمان

تامین اجتماعی

تصمیمات اخیر دولت در مورد افزایش ۲۰ درصدی حقوق بازنشستگان و یا حق هائله مندی شامل حال بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی نمی شود. این بازنشسته ها اکثر در گذشته کارگر بودند که سالهای سال حق بیمه پرداخته اند ولی سازمان تامین اجتماعی در جهت افزایش حقوق آنها و تامین نیازمندیهایشان کام جدی بر نمی آرد. تعدادی از این بازنشستگان در نامه ای به روزنامه کیهان نوشته اند:

"... سازمان تامین اجتماعی نه تنها هیچگونه اقدامی در جهت رفاه این قشر محروم انجام نداده، بلکه حق قانونی ما را نیز در خصوص افزایش مستمری ما موضوع ماده ۹۶ و ۱۱۱ پایمال کرده و در بعضی سالها با توجه به مصوبه شورای عالی کار مبلغی بسیار ناچیز اضافه کرده است. به همین علت اکثرا در عین پیری و علیی زندگی سخت و اسفباری دارند و در مقابل گرانی و تورم و عدم افزایش به موقع مستمریها زندگی سخت و دشواری را می گذرانند... بن کالاهای اساسی ما را نیز دو سال است تحویل نداده اند. ما کارگران بازنشسته انتظار داریم که در نظام جمهوری اسلامی شاهد محرومیت های بیش از حد نباشیم. لازم به توضیح است در خصوص تعاونی مصرف که کلیه بازنشستگان کشوری و لشکری دارند تا کنون سازمان تامین اجتماعی قدمی برای ایجاد آن بر نداشته و حق کار کردن مجدد هم از ما گرفته شده و بر طبق قانون اگر به خاطر نیاز مالی در شرکتی به کار مشغول شویم مستمریمان بلافاصله قطع میشود ولی کارمندان بازنشسته دولت حق کار کردن را دارند. باور کنید وضع بیشتر ما طور نیست که به نان شب محتاج هستیم" (کیهان ۲۱ شهریور ۷۰)

در ددل یک بازنشسته

«پیر مرد بازنشسته ای را دیدم در حالیکه در یک دکان در بازار چادویی و منشیگری میکرد میگفت چرا از حال و روزگار ما فراموش شدگان کمتر می نویسد و وضع ما را آنطور که هست منعکس نمی کنید؟ گفتم به حمدالله این روزها صحبت از اضافه حقوق بازنشستگان بر سر زبانهاست شما که صبر ایوب دارید با هم صبر کنید شاید گره کارتان گشوده شد! گفت اگر منظورت ۲۰ درصدی است که قرار است اضافه کنند باید تصمیم گیرندگان و همگان بدانند که درد جانسوز ما با این مسکن ها و تصمیمات متعلقی درمان پذیر نیست. مثلا من که ۸ هزار تومان می گیرم وقتی که ۲۰ درصد اضافه شود جمعا میشود ۹ هزار تومان، انصاف بدهید که آیا با این تورم و گرانی و مخارج کمر شکن زندگی، چگونه میتوانیم در جامعه با آبرو زندگی کنیم؟ گفتم حتما فکر می کنند شما در دوران کجولت ۲ نفر بیشتر نیستید و همین منبع کفاف خرجتان میشود. در حالیکه آبی از ته دل می کشید گفت: "اتفاقا اشتباه همه همین است که خیال میکنند ما ۲ نفر بیشتر نیستیم در صورتیکه بازنشستگان مخارج متنفره شان به مراتب از شافلین بیشتر است هر کدام چند اولاد و نوه دارند که اینها به همراه سایر فامیل طبق سنت های خوبی که ما داریم می خواهند هر چند وقت یکبار صله رحم بجای آورند و از ما که باصطلاح بزرگ قوم و قبیله ایم دیدن کنند این آمد و رفت ها را دیگر نمیشود ترک کرد نوه ها خودشان می آیند و می روند اگر بخواهیم با یک نوع میوه و یک غذای ساده هم موضوع را بر گزار کنیم می بینید که در طول یک ماه چند روز مجامعندار هستیم مانه تنها ۲ نفر هائله نداریم بلکه بیش از ده نفر معمولاً هائله مندیم، مخارج بیماریها نیز از طرف دیگر به ما فشار می آورد و حالا مجبوریم در ایام پیری پادوی فلان مغازه دار بی سواد شویم تا چندر غاز هم از آنجا گیر بیاوریم و با سیلی صورتان را سرخ کنیم...» (کیهان ۲۸ شهریور ۷۰)

رویدادهای اقتصادی

بقیه از صفحه ۳ به اتومبیل های نمره شده عراق شماره راهنمایی رانندگی ایرانی داده نشود. از این رو، کوهها و دشتهای قرب کشور پراز اتومبیل هایی بود که روی آنها را با کاه و علوفه پوشانده بودند تا دیده نشوند. گویی کسانی که اتومبیل ها را از عراق به ایران آورده بودند، می دانستند که اوضاع بدین صورت نخواهد ماند و بعدا خواهند توانست اتومبیل ها را که در آن زمان به علت پلاک نداشتن، به بهای بسیار تازلی خرید و فروش میشد، گران تر بفروشند. اکنون مدتی است که ارگانهای محلی شهرهای قرب ایران، اتومبیل های آورده شده از عراق را نمره می کنند. این در حالی است که در ایران همه می دانند بسیاری از این اتومبیل ها، دردی است و حتی در جریان سرتجای مسلحانه، تصاحب شده است. جمهوری اسلامی به هر یک از ارگانهای خود، از اتومبیل های وارد شده از عراق سهمیه داده است.

نگاهی بر امثال و حکم دهخدا، داستان نامه بهمنیار و کتاب کوچه شاملو

امثال و حکم؛ پژوهش تجارب توده‌ها

مازیار کاکوان

تدوین کتاب کوچه، مکتبی بر دجها سال‌دلمشغولی متعهدانه و پی‌جویی محققانه بوده است. به رهنم گسست‌های ناطلبیده و آسیب‌بار، بار سنگین تدوین این اثر بر زمین نموده و راهی سرمنزل مقصود است.

کتاب کوچه همانند امثال و حکم دهخدا و داستان نامه بهمنیاری، از گنجینه‌های فرهنگ‌هایمان است. شاملو در کتاب کوچه همانند دهخدا، ضمن توضیح زمینه و سابقه بسیاری از امثال‌هایمان، صدها تمثیل، افسانه، حکایت و روایت باانشای خاص خود ثبت کرده و بر ارزش ادبی این اثر افزوده است.

* * *

بررسی آثار پیش‌گفته دهخدا، بهمنیار و شاملو، قطع نظر از ارزش فرهنگی انکارناپذیر آنها، بیانگر برخی کاستی‌های ره‌یافته به این آثار نیز هست؛

۱- در امثال و حکم دهخدا، آنجا که به عبارات و امثالی درباره ایران و ایرانیان برمی‌خوریم (از جمله در جلد سوم در توضیح مصراع: "مزن زشت و بیفاده از ایران زمین") ستایش‌های افراطی و مبالغه‌آمیزی به نقل از شعرا و ادیبان، از ایران و ایرانیان و نیز شاهان ایران می‌بینیم، چه بخش اعظم آن یکجانبه و تعصب‌آلود است. گنجاندن نقل قول‌هایی با حجم حدود ۲۵۰ صفحه از شاعران مختلف برای توضیح همین یک مصراع، آن هم در تأیید مقام ویژه قوم ایرانی و عظمت شاهان، باستان، برآزنده محققان آزرده و وارسته‌ای چون دهخدا نبود. باین نکته البته باید توجه داشت که در سال‌های میان جنگ جهانی اول و دوم از جمله در دوره تدوین نهائی "امثال و حکم" این گرایش یکجانبه در بسیاری از روشنفکران، محققین و نویسندگان پدید آمد. در آثار سال‌های پس از ۱۳۱۰ هجری قمری حدیث و مجتبی مینویی نیز یک چنین گرایش ایران‌خواجانه قلیطنی مشهود است. تا آنجا که حتی با تبارز نوهی حسرت و دریغ نسبت به گذشته دور همراه می‌شود.

علیرغم تمایزی که دهخدا میان "مثال" و "حکمت"، "کنایه" و "مصطلح" که امثال‌هایمان و ادبیانه و اصطلاحات متداول و عبارات متروک، قائل است اما در تدوین کتاب "امثال و حکم" بلحاظ اسلوبی، اساساً این تقسیم‌بندی‌ها را ملحوظ نداشته و محدود را در یک مجموعه نامنتظم گردآورده است. طبری معتقد است که "این ژولیدگی اسلوبی در لغت نامه دهخدا نیز دیده می‌شود و اصولاً عیبی است که نسل گذشته ادبا و محققان ما (صرف‌نظر از ارزش‌والی تحقیقی‌شان) از آن مبری نیستند."

نثر "امثال و حکم"، یعنی آنچه که دهخدا، خود در توضیح امثال نوشته است، برخلاف آنچه که از این پیشاخنج بی‌بدیل ساده‌نویسی انتظار می‌رود، هاری از تکلف منشیانه نیست. نویسنده مقالات استادانه و همه‌فهم "چرند و پرند" بی‌شک ناگر می‌خواست می‌توانست از این تکلف بپرهیزد و امثال‌هایمان و ادیبان را موثرتر و نافذتر از این، بر ذهن و زبان مشتاقان بنشانند. بخصوص که هر صده کار چنان بود که میدان این جولانگری را به او میداد.

استاد محد دبیر سیاتی در مقدمه فاضلانهای که بر کتاب "گزیده امثال و حکم" دهخدا نوشته، این "نخواستن" را از زبان دکتر مهدی آفرخشی چنین بیان می‌کند: "دهخدا، از بیم آنکه در عهد مدعیان متظاهر و فرب‌زدگان سرگشته قلمداد نشود... ظاهراً بر خلاف میل باطنی و سابقه ادبی خود ناگزیر شد از آن مقدار قدرت پیشروی و تحرک که در اوایل مشروطیت در مسیر تحول و تنوع به حق در زمینه شکل‌ظاهر و قالب شعر و ترویج نثر ادبی و عامیانه و نکاهی بر زبان توده مردم، از خود نشان داده بود، در بقیه دوره حیات خود چشم‌پوشد و عقب نشینی کند."

* * *

استاد بهمنیار در مقدمه "داستان نامه بهمنیاری"، در استنتاج مشخص از این تعریف کلی که "مثال در یک زبان نماینده ذوق فطری، قریحه ادبی، افکار، عادات، اخلاق و احساسات اهل آن زبان است" متأسفانه اسلوب واحد را راهنما قرار نمی‌دهد و احکامی متناقض ارائه می‌دهد. او می‌نویسد: از این امثال حبشی که "گر آتایت نصف شب بگوید ظهر است، برایش قسم بخور که آفتاب را می‌بینی" و نظایر آن، استدلال مینماییم که ملت حبشه هم‌وما متصف به صفت رذیله تملق و چاپلوسی

زبان‌زدی فرهنگ‌هایمان را توضیح داده است. می‌توان گفت که "داستان نامه بهمنیاری" نسبت به امثال و حکم استاد دهخدا بلحاظ سبک کار و اسلوب فنی تدوین آن، دارای امتیازات معینی است. داستان نامه بهمنیاری، پس از امثال و حکم دهخدا، در میان تالیفات که در زمینه "امثال و حکم" زبان فارسی صورت گرفته است، رفیع‌ترین جایگاه را دارد.

* * *

پژوهش در زمینه امثال و حکم‌هایمان و بطور کلی درباره فرهنگ و باورداشت‌های توده مردم، به تدریج از دهه‌های دوم و سوم پس از انقلاب مشروطیت افزایش یافت. پس از دهخدا و بهمنیار که پیشگامان اصلی این عرصه بودند، توجه و روی‌آوری اهل ادب به این عرصه از فرهنگ و ادبیات بیشتر شد. برخی از نویسندگان از جمله صادق هدایت و محمدعلی جمال‌زاده در این عرصه کار پژوهشی شایان توجهی کردند و آثار فرهنگی و ادبی درخشانی نیز پدید آوردند. یادداشت‌های هدایت در زمینه تحقیقات فولکلوریک و نیز تسلط بی‌گفتگوی او بر زبان و فرهنگ مردم که در تمامی آثارش به ویژه هلوپه خانم و حاجی آقا بازتاب یافته، گواه این مدعا است. کتاب "فرهنگ لغات عامیانه" اثر جمال‌زاده و نیز زبان فصیح و قلم روان او در "فارسی شکر است"، گویای احاطه وی به زبان مردم است.

در دهه‌های اخیر کار پژوهشی در خور توجهی در زمینه فرهنگ مردم چه در سطح زبان فارسی و چه در مقیاس زبان‌ها و گویش‌های محلی صورت گرفته است. در این رابطه می‌توان از جمله به کارهای محمود پاینده و انجوی شیرازی اشاره کرد. جامع‌ترین و شاخص‌ترین اثر پژوهشی در این عرصه، "کتاب کوچه" تألیف احمد شاملوست. موضوعات این کتاب معظم، دربرگیرنده باورهای توده، آداب و رسوم، آئین‌ها، خواب‌گزاری، احکام، بازی‌ها، ترانه و تصنیف، دعاء، نفرین، سوگند، دشنام، ترکیبات جمله‌ای (شامل ابیات و اشعار)، چیستان‌ها، امثال و حکم، تعبیرات مصدری و ترکیبات دیگر است. مبنای فهرست بندی موضوعات این مجموعه نیز خاستگاه و محور مشترکشان است. اما چنانکه شاملو خود اذعان دارد، این گری‌بندی‌ها بی‌چیزچه مطلق نیست.

اجزائی از این مجموعه مضامین، در سال‌های ۴۰ در کتاب هفته بازتاب یافته بود. اما تدوین این مجموعه به مثابه یک کتاب، یا بهتر بگوئیم یک فرهنگ نامه، در دهه اخیر میسر شد.

"کتاب کوچه" نیز اساساً مشتمل بر امثال است اما در همین حال نه تنها در برگیرنده امثال، حکم و زبان‌ها بلکه بندها، آفرین‌ها و نفرین‌های آنان نیز هست. شاملو در تدوین این کتاب کوشید این توصیه هدایت را راهنمای کار قرار دهد که: کسی را حق آن نیست که "مطابق سلیقه خود، افکار اخلاقی یا مذهبی و اندرز حکیمانه" در این اسناد بگنجاند. بلکه شرط اول کار، بی‌طرفی کامل است. زیرا در تحقیقات فولکلوریک نباید هیچگونه تعصب نژادی، اخلاقی، زبانی و مذهبی راه‌یابد.

کتاب کوچه، بر این سیاق، بندها و باورهای مردم کوچه را اهم از نکو و نکوهیده، یکجا ثبت و گزارش می‌کند. و تأکید بر این روش است که شاملو در مقدمه جلد نخست کتاب، شیوه "نویسندگانی را که معتقدات خرافی توده را به عنوان معلومات تاریخی یا حقایق مسلم علمی و... برشته تحریر کرده‌اند" نیز نقد می‌کند.

از آنچه که شاملو تحت عنوان "کتاب کوچه" ثبت و تدوین کرده و یا تدارک تدوین‌اش را دیده، تاکنون تنها ۵ جلد منتشر شده است و این ۵ جلد منحصر به حرف اول الفباست. روشن است که این مجموعه در صورت تکمیل حتی در همان چارچوب تدارک دیده‌نیز، دهها جلد خواهد شد. و این همه هنوز در برگیرنده فرهنگ‌هایمان زبان فارسی در مقیاس ملی نیست. شاملو، خود این نکته را متذکر می‌شود که: "ما نخواسته‌ایم (و نیز نمی‌توانسته‌ایم) چیزی به فولکلور منطقه تهران بپردازیم". گسترده‌ی دامنه موضوعات مطرحه، مبهم بودن حد و مرز بسیاری از تعاریف، شغاهی بودن بخش مهمی از منابع، تنوع روایات و فقدان الگو و اسلوب پژوهشی لازم برای تدوین یک چنین اثر فرهنگی خارق‌العاده‌ای، ظرفیت و توانی فراتر از بهاهت و همت والای یک محقق طلب می‌کند.

صویر اسرافیل نوشت نشان داد که در آگاهی بر امثال و حکم‌هایمان زبان فارسی و کاربرد آن به مثابه حرب‌های توده‌گیر در مبارزه علیه استبداد و خرافات، استاد است. چند سال بعد (در سال ۱۳۹۲)، وقتی که در روزنامه "ایران کنونی" ستونی تحت عنوان "چرند و پرند" گشوده شد، این باره سبک و سبکی دیگر، امثال و حکم را اهرم افشای مظالم و تازیانة انتباه خودکامکان جاہل کرد. و سرانجام در سال‌های جنگ جهانی اول (۱۳۹۷-۱۳۹۳) به هنگام گریز و اقامت اجباری در مناطق دورافتاده بهمنیاری، طرح گردآوری و تالیف امثال و حکم زبان فارسی را تدارک دید.

تالیف این کتاب بافور در منابع امثال و حکم‌هایمان و ادبیانه زبان فارسی، باگردآوری، تدقیق و ثبت "امثال"، "حکم"، "مصطلحات"، "کنایات"، "آخبار و احادیث"، "کلمات تصار"، "عبارات" "زبانزد" مردم و استخراج امثال و حکم آثار منظوم و منثور تاریخ ادبیات ایران، میسر شد. "امثال و حکم" دهخدا در چهار جلد، در ۲۷۰۰ صفحه با ۳۰ هزار مثال و ۱۲ هزار مؤرد استنادی به شاعران و نویسندگان پیشین ایران، در سال‌های ۱۱-۱۳۵۸ هجری شمسی به چاپ رسید. انتشار این کتاب یک رویداد بزرگ فرهنگی در کشور ما بود و به قول طبری: "دروازه‌ای فراخ برای استدراک عمیق‌تر اثر کهن ادبی ما گشود."

"امثال و حکم" عنوان کلی انواع ستاوین مثلی، حکمی، کنایی، زبانزدی، اصطلاحی و غیره است. دهخدا خود بر تمایز معنای یک یک این اصطلاحات از یکدیگر آگاه بود و از جمله تعاریف متمایز "مثال" و "حکمت" را نیز در یادداشت‌های خود آورده است. اما برای پرهیز از اطناب عنوان و تبدیلی عنوان به فهرست مندرجات، همه را در عنوان کلی "امثال و حکم" مختصر کرده است. این اثر، آئینه افکار، احساسات، عادات، خلقیات، تجربیات و نیز نکته‌سنجی‌های گذشتگان ماست.

این اثر، آئینه افکار، احساسات، عادات، خلقیات، تجربیات و نیز نکته‌سنجی‌ها و نادره‌گویی‌های گذشتگان ماست.

* * *

استاد احمد بهمنیار (۱۳۳۴-۱۳۶۳)، نیز همانند هلامه دهخدا، از پیشگامان اصلی تدوین امثال به شیوه معاصر است. بهمنیار به هنگام انقلاب مشروطیت با روزنامه مترقی "کرمان" همکاری می‌کرد و با مضامین "محمد دهقن" مقاله می‌نوشت. در سال ۱۳۹۵، روزنامه دهقان را در کرمان و سپس "فکر آزاد" را در مشهد تأسیس کرد. سال‌های جنگ اول جهانی را بخاطر مبارزات آزادیخواجانه و ضد استعماری، در زندان و آوارگی و تبعید گذراند. بهمنیار همانند دهخدا، انسانی بود آزاده، وارسته، حقیقت‌جو، نوع دوست و وطن‌خواه.

آغاز کار پژوهشگرانه استاد بهمنیار پیرامون امثال زبان فارسی، تقریباً همزمان با کار دهخداست. او از هنگامیکه روزنامه "فکر آزاد" را در مشهد منتشر می‌کرد یعنی سال‌های ۲-۱۳۵۱، از شماره‌های ۲۷ تا ۸۵ این نشریه، بیش از ۲۵۰۰ مثال فارسی را به ترتیب حروف الفبا ثبت و منتشر کرد. تا دو سال بعد، ۳۶۴۷ مثال را در یک دفتر گردآوری و تدقیق و ثبت نمود. طی سال‌های بعد، استاد بهمنیار، در دفتری دیگر مجموعه‌ها ۶۴۷ مثال را ثبت کرد و از آنجا که "مثال" را در زبان فارسی، داستان یا داستان گویند، نام این مجموعه را "داستان نامه بهمنیاری" گذاشت. متأسفانه کتاب استاد بهمنیاری نه تنها در زمان حیات او بلکه تا مدت‌ها پس از مرگ آن زنده یاد نیز آرایش طبع نیافت. "داستان نامه بهمنیاری" ۲۷ سال پس از مرگ مولف آن، نخستین بار در سال ۱۳۶۱ توسط انتشارات دانشگاه تهران به چاپ رسید.

بهمنیار در مقدمه "داستان نامه" درباره انگیزه تالیف این اثر نوشته است: "مقصود اصلی این بنده از تدوین این کتاب، رسمیت دادن بیک شعبه مهم ادبیات فارسی است."

تا آن زمان هنوز "امثال و حکم" دهخدا منتشر نشده بود. دهخدا و بهمنیار هر یک بطور مستقل، جای خالی این بخش از فرهنگ و ادب را در زبان فارسی دیدند، ضرورت پرداختن به آن را دریافتند، آستین همت بالا زدند و کاری کارستان کردند.

بهمنیار بر کتاب، "داستان نامه" مقدمه‌ای مبسوط‌نگاشته و در آن، جایگاه "امثال" در زبان و تعاریف مثل، تشبیه، تمثیل، کنایه و دیگر متداولات

ضرب‌المثل، یکی از شاخه‌های اصلی ادبیات و فراتر از آن، یکی از ارکان زبان است. بسیار پیش‌تر از آنکه خط و کتابت، تلمروی زبان را در اتالیق و اعصار فراگسترده و نیز پیش‌تر از آنکه حتی شعر، پیام‌گزار تخیل و احساس آدمی‌گردد، از دل زبان محاوره‌ای مردم، کلامی صیقل خورده و از صافی تجربه و هقل معاش‌آدمی گذشته، پدید آمد که بخاطر ویژگی‌هایی چون اختصار لفظ، روشنی معنا، حسن تشبیه و سمولت کاربرد، دامنه اثری گسترده یافت. حد بلاغت و درجه سرایت این کلمات حکمت‌آمیز تصار، چنان بود که گذشتگان آن را "عبارات بالدار" نامیدند.

استاد هلی اکبر دهخدا و استاد احمد بهمنیار به استناد تعاریف متعددی چون ابراهیم نظام، عبدالله بن مقفع و ابوالفضل میدانن و نیز فضالی متأخر اروپایی و بر پایه تجارب و تحقیقات مستقل خویش، هر یک تعاریفی از مختصات "مثال" بدست داده‌اند. به روایت هلامه دهخدا: "مثال، حکمت توده است... مثل حقیقتی است از معاش که به عبارتی مختصر و موثر در دوران است... به بیانی دیگر، مثل، تشبیه معقولی به محسوس و یا محسوس به محسوس دیگری است در عبارتی کوتاه و فصیح."

به نظر استاد بهمنیار، "مثل جمله ایست مختصر مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنا و لطافت ترکیب، بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود بکار برند." در این باب، تعریف دوتن از محققین اروپایی نیز روشنگرانه است: "سن پیر" محقق قرن ۱۸ فرانسوی، مثل را "پاد آواز تجارب انسانی" نامیده و راسل محقق قرن ۱۹ انگلیسی آن را "نتیجه هقل یک جمع و نادره گویی یک فرد" تعریف کرده است.

نقش امثال و حکم مایم از عامیانه و ادبی در سر نوشت زبان انکارناپذیر است. درجه پایداری و بقای یک زبان رابطه‌ای مستقیم با درجه فنای امثال و حکم و حد گسترده‌ی و رواج آن دارد. تاثیر امثال و حکم فارسی در حفظ و زنده نگاهداشتن این زبان، روشن‌ترین گواه این مدعا است. امثال و حکم در قیاس با دیگر حوزه‌های ادب و فرهنگ، در برابر تعرض ویرانگرانه مهاجمان فرهنگ ستیز دسترس‌ناپذیر بوده است و به تیتج آن مقاومت، به قول دهخدا: "مثل در سینه‌ها میماند. چنانکه دوبار یا سه بار که تغییر خط ادب و تاریخ علوم گذشته ما را یکبار از روی زمین محو کرد، این قسمت را آن دشمن خانه برانداز نتوانست از میان بردارد."

قدمت و فنای امثال و حکم فارسی، در جمل طولانی و رمق فرسای بودن و نبودن این زبان، حکم زرادخانه‌ای را داشت که بی‌آن، دست‌های تخی از سلاح، تنها می‌توانست به هلاکت تسلیم بالا بیاید و بس.

و اما جایگاه و منزلت این بخش از ادبیات و زبان در کشور ما، به رهنم اهمیت فرهنگی و تاریخی آن، تا چند دهه اخیر شناخته‌نشده. از آثار ایرانی پیش از اسلام، هیچ اثری که حاصل تدوین این شاخه از فرهنگ و ادب ما باشد، بر جای نماند. محققین ایرانی قرون اولیه هجری نیز در این عرصه، هم‌مدتاً هم خود را مصروف تدوین و تالیف امثال و حکم زبان عربی کردند. جامع‌ترین تالیف را این زمینه ابوالفضل احمد بن محمد نیشابوری میدانن، از فضالی قرن پنجم هجری، کرده است کتاب او "مجمع الامثال" افزون بر ۶ هزار "مثال" عربی و یاور ددیده به زبان عربی است. به نوشته استاد بهمنیار، در زمان شاه عباس صفوی، ضرب‌المثل‌های ترکی نیز گردآوری شد. اما تا این زمان امثال فارسی هنوز در یک مجموعه مدون نشده بود. تنها کتابی که پس از این زمان (در قرن یازدهم هجری)، در ثبت بخشی از امثال زبان فارسی تالیف شد کتابی به نام "جامع المثیل" اثر محمدعلی جبارودی بومشتمل بر ۱۱۰۰ مثال و کنایه، که در آن نیز امثال و کنایات مخلوط و حدوداً هم‌زمان جمع‌آوری شده بود.

تنها در سال‌های پس از انقلاب مشروطیت بود که نخستین کارهای پژوهشی جامع و اساسی در تدوین امثال و حکم فارسی صورت گرفت. شاخص‌ترین آثاری که در این زمینه پدید آمد "امثال و حکم" استاد هلی اکبر دهخدا و "داستان نامه بهمنیاری" اثر استاد احمد بهمنیار بود.

* * *

دهخدا از سال ۱۳۸۶ با همان مقالات اجتماعی انتقادی که تحت عنوان "چرند و پرند" در روزنامه

آیا آتش بس یوگسلاوی پایدار خواهد بود؟

نشان می‌دهد که چنین وقتهایی در جنگ، زیاد به طول نمی‌انجامد.

جامعه اروپا هم‌اکنون در بحران یوگسلاوی را بر عهده گرفته است، در حالیکه این جامعه را دیگر نمی‌توان بیطرف دانست. کشورهای غربی بطور روزافزون جانب جمهوری‌های را می‌گیرند که مایل به جدایی از یوگسلاوی اند. جمهوری اسلونی جفته گذشته تصمیم چند ماه پیش پارلمان خود مبنی بر استقلال از یوگسلاوی را به مورد اجرا گذاشت و اقدام به توزیع گذرنامه‌های خود به جای گذرنامه‌های یوگسلاوی کرد. وزیر خارجه اتریش که با جمهوری اسلونی هم مرز است، اعلام کرد با افراد دارای گذرنامه اسلونی مانند دارندگان گذرنامه یوگسلاوی رفتار خواهد کرد و افزود این امر به منزله شناسایی استقلال اسلونی در عمل است. گفته می‌شود جامعه اروپا نیز سیاست مشابهی را در پیش خواهد گرفت. رولان دوما وزیر خارجه فرانسه طی نطقی گفت که از نظر او دیگر یوگسلاوی وجود ندارد و

در جنگ داخلی یوگسلاوی برای چندمین بار، مقامات ارتش فدرال و جمهوری کرواسی توافق کردند که آتش بس برقرار شود. موافقت نامه آتش بس روز نهم اکتبر از سوی فرمانده ارتش یوگسلاوی برای کرواسی و معاون فرمانده نیروی شبه نظامی جمهوری کرواسی به امضا رسید. این موافقت نامه پیش‌بینی می‌کند که شبه نظامیان گرووات به محاصره پادگانهای ارتش یوگسلاوی در کرواسی پایان دهند تا ارتش بتواند سلاحهای خود را از منطقه خارج کند. در مقابل، ارتش قوت داده است به محاصره بنادر جمهوری کرواسی در ساحل دریای آدریاتیک خاتمه دهد.

از آنجا که طرفین جنگ بارها توافق‌های آتش بس را نقض کرده‌اند، معلوم نیست که به تعهد این بار خودمینی بر خاموش ماندن سلاحها تا زمان ادامه مذاکرات صلح در لاهه پایتخت هلند وفادار بمانند. هر چند در دو روز نخست پس از توافق اخیر، درگیری‌ها به تیراندازی‌های پراکنده‌ای محدود بود، تجربه ماههای اخیر

جایزه ادبیات نوبل برای نادرین گوردیمر نویسنده اهل آفریقای جنوبی

زبانها انداخت. از رمانهای دیگر گوردیمر می‌توان از "مجمان افتخاری" و "سرگذشت پسر م نام برد.

رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی که به زندان ابد محکوم شده بود و با مجارت و زیبایی کم نظیری به رشته تحریر در آمده بود نام نادرین گوردیمر را بر سر

نادرین گوردیمر نویسنده زن اهل آفریقای جنوبی برنده جایزه ادبیات نوبل شد. نادرین گوردیمر در سال ۱۹۲۳ در یکی از محلات فقیر نشین آفریقای جنوبی بدنیا آمده او ثمره زندگی مشترک یک ساعت ساز مجار اهل لیتوانی و زن انگلیسی‌اش می‌باشد.

نادرین گوردیمر راجع به خودش می‌گوید: در وضعیتی که اگر قرار باشد مؤثر باشی چاره‌ای جز سیاسی شدن نداری من چیزی به جز استعداد نویسندگی خود برای عرضه کردن ندارم. من اساساً غیر سیاسی هستم. چند سال قبل ممنوعیت رمان "دختریک شعروند" که در آن زندگی دختر یکی از اعضای



گسترش حملات نژادپرستانه علیه شهروندان خارجی در آلمان

ویژه در میان ائتشار پایینی جامعه، زمینه مساعد تبلیغات هوام فریبانه نئونازی‌ها و نژاد پرستان است که در تاریخ آلمان، یک بار سلاح شوراندن پست‌ترین روحیات "نژاد پرستانه" را آزموده‌اند. "چوخ بختیار" های آلمانی دوست دارند باور کنند که اگر وضع اقتصادی آلمان به‌طور کلی بهبود یابد، اگر بیکاری و فقر هست، مربوط به خارجیانی است که از شرایط غیر قابل تحمل کشورهای خود به آلمان پناه آورده‌اند.

آنچه به نژاد پرستان کمک می‌کند، سیاست دولت دست راستی هلموت کول است که به جای درس گرفتن از تاریخ آلمان و تسلیم نشدن به جو سازی فاشیستی، قصد دارد با محدود کردن حق پناهندگی و اخراج سریع کسانی که تقاضای پناهندگی آنها رد می‌شود، فشار بر اتباع خارجی را افزایش دهد. این در حالی است که آلمان که شاید مرفه‌ترین کشور دنیا باشد، در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم، از جمله ایران، به نسبت جمعیت خود پذیرای سهم بسیار ناچیزتری از پناهندگان است.

علیرغم وقایع هفتگی اخیر آلمان، اتحاد دمکرات مسیحی، حزب حاکم این کشور که هلموت کول صدراعظم، رهبر آن است، حاضر نشد همراه با حزب سوسیال دمکرات در پارلمان این کشور تظلمنامه مشترکی علیه نژاد پرستی به تصویب برساند.

بقیه از صفحه اول پناهندگان در شهر کلن گفت که می‌خواهد با این اقدام، به اتباع خارجی مقیم آلمان اطمینان دهد که می‌توانند بدون هراس، به زندگی در آلمان ادامه دهند.

یکی از عوامل مهم آماده شدن زمینه برای تشدید فعالیت نئونازی‌ها، اوضاع نابسامان اقتصادی در شرق آلمان است که به روند شتاب زده وحدت غرب و شرق آلمان باز می‌گردد. اقتصاد شرق آلمان، بدون طی مراحل گذار، به یکباره از یک اقتصاد برنامه‌ریزی شده وارد حیطه قوانین سرمایه‌داری شده است. کارخانه‌ها و سایر موسسات تولیدی و خدماتی را به سرهت خصوصی می‌کنند. بسیاری از این واحدها که قادر به رقابت با شرکتهای غربی نیستند، تعطیل می‌شوند و یا ناچار می‌گردند کارکنان خود را دسته دسته اخراج کنند. بیکاری در شرق آلمان بیداد می‌کند، همچنین خدمات رفاهی و اجتماعی یکی پس از دیگری از میان می‌رود. کرایه مسکن که در گذشته بخش ناچیزی از درآمد مردم آلمان شرقی را بخود اختصاص می‌داد، به سرعت بالا می‌رود. در حالیکه هزینه‌های زندگی با آهنگ سریعی به سطح غرب نزدیک شده است، درآمد مردم شرق آلمان بسیار کند افزایش می‌یابد. همه این عوامل، دست به دست هم داده و در شرق آلمان، به بحران اجتماعی دامن زده‌اند. اذجان ناپخته جوانان و نوجوانان، به

تشدید جنگ در کردستان عراق

کردستان. نکته دیگر، عدم تابعیت فعالیت سازمان امنیت عراق از موافقت نامه خودمختاری است. همچنین قرار است به ضمیمه قانون خودمختاری، بیانیه‌ای انتشار یابد که در آن، دوطرف از کوتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸ حمایت کرده همه کشورهایی را که به عراق حمله کرده‌اند، محکوم کنند. این بیانیه در این رابطه از آمریکا، صهیونیسم، کویت، سوریه، ایران و ترکیه نام می‌برد. در هفته‌های آخر پیش

بقیه از صفحه آخر کننده‌ای به این درخواست نداده است. مواعنی که طالبانی بدان اشاره کرده است تنجا به مسئله کرکوک که احزاب کرد در مورد آن متفق‌التولند، مربوط نمی‌شود. یکی از نکاتی که اتحادیه میهنی بدان اشاره دارد و در طرح موافقت نامه آمده، این است که همه استانداران استان‌های کردستان، فرمانداران و شهرداران و بخشداران این منطقه باید تابع وزارت کشور عراق باشند نه دولت خودمختار

بکارگیری آهن (توسط جمشید) نقل شده است. در ست تر این بود که علاوه بر روایات رایج مربوط به حضرت آدم و داود و سلیمان، روایات مشابه ایرانی نیز نقل شود.

این نکته را نیز باید در رابطه با اسلوب تدوین کتاب کوچه افزو ده که در جریان نشر جلدهای چهارم و پنجم، بتدریج بخشی از کاستی‌های فنی جلدهای نخستین، توسط شاملو رفع شد. تدقیق یک چنین اثر سترگی نیازمند تجدیدنظر مداوم است. بنظر میرسد مولف این اثر، خود بیش از هر کس دیگر، به ابهام‌فراخ دامن کاری که می‌کند و ضرورت بازنگری و تدقیق مداوم آن واقف است.

تالیف آثاری چون "امثال و حکم"، "داستان نامه" و "کتاب کوچه" محصول احساس تعهد عمیق مولفان آن نسبت به فرهنگ مردم ماست و قطع نظر از کاستی‌های ناگزیر یا اجتناب پذیر آن، در خورد بالاترین ارج گذاری‌هاست. تدوین آثاری چنین، قابلیت فراتر از توانائی‌های متعارف یک ادیب محقق طلب میکند. استاد بختیار درباره اثر خود، فروتنانه گفته است: "هر وقت که باین نامه محقر نظر میکنم آثار مملو از نواقصی می‌بینم که رفع آن از حدود توانائی یک فرد عادی خارج است. روشن است که "فرد عادی" بمعنای رایج آن منظور نیست. شاملو نیز درباره اثر خود یک چنین قضاوتی دارد: "کار بست بتمام معنا ناقص، زیرا تدوین فرهنگ توده هرگز از نخستین گامها بر نخواهد گذشت و هرگز به حدود قابل قبولی نخواهد رسید مگر اینکه همگان در کار آن شرکت بجویند. الگوئی در اختیار باشد معیاری و نقطه شروعی".

با آنچه که از زمان دهخدا فقیه تا به امروز گرد آمده است، و توجعی که بخش اعظم روشنفکران مابه فرهنگ مردم دارند، میتوان از وجود زمینه‌ای مساعد برای تکوین یک چنین نقطه عطفی سخن گفت، اما بی‌گمان، تدارک "شرکت همگان" و بفرجام رسانیدن این وظیفه فرهنگی سترگ، کار چنددهساله یک فرهنگستان است.

نمونه‌هایی از درآمیزی مزاحم برخی مناخیم در یکدیگر بچشم می‌خورد، که گنجاندن احادیث بمتابه "باور توده" نمونه‌ای از آنست.

احادیثی از کتب حاج ملا اسماعیل سبزواری، شیخ ابوالفضل، حسین تقی‌سی و محمدباقر مجلسی درباره جزئیات فنی تعبیر خواب از دانیال نبی و انبیا و ائمه دیگر نقل شده است. این احادیث با آن تفاسیر "دقیق و کارشناسانه" بازتاب ذهن و تراوش قلم گروه اجتماعی خاصی از جامعه (بخشی از روحانیون و خواب‌بگزاران...) بوده و نمی‌توانسته است تماما در باور و زبان مردم شکل گیرد یا شمول پذیرد. بی‌شک، باور به خواب‌بگزارانی همانند باور به خرافات نیز بخشی از فرهنگ توده است و میتوان همه آنچه را که در خصوص تعبیر خواب بمیان مردم رایج است نیز در فرهنگ کوچه ثبت کرد اما فقط آنچه را که شاخص باور مردم و جاری زبان آنهاست نه جزئیات روایات متون خاصه را. شاملو این اسلوب را البته در ثبت امثال و حکم ادیبانه رعایت کرده و توضیح داده است که: "امثالی که در متون ادبی آمده‌اند در تداول توده جای نمانده است را در مجموعه نیاورده‌ایم... اما عبارات ادبی یا ابیات و مصراع‌هایی را که بصورت امثال سایر در آمده ضبط کرده‌ایم." اگر در کتاب کوچه نقل عبارات و ابیات ادیبانه و حکیمانه غیر رایج، اجتناب پذیر باشد که هست، ثبت احادیث دور از ذهن و نامتداول نیز بطریق اولی قابل اجتناب است.

نکته دیگری که ایضا در نقل مطالب مربوط به "باروهای توده" بچشم می‌خورد، عدم بازتاب درخور آن بخش از باورهای است که ریشه در اساطیر ایران دارند. در حالی که باورهای مبتنی بر روایات تورات، یکجانبه انعکاس یافته‌اند. مثلاً: ذیل واژه "آهن"، از کتاب "ید و منیر" ملا اسماعیل سبزواری روایتی درباره حضرت داود نقل شده که او نخستین کسی بود که آهن را بکار گرفت و از آن زره درست کرد و... حال آنکه در اساطیر ایران نیز روایات افسانه‌ای مشابه و مشعوری در مورد

این اشعار، آن دقت و تأمل ادیبانه‌ای که لازمه درک و دریافت ابهام کلامی حافظ است نیز متأسفانه دیده نمی‌شود. چند نمونه:

در توضیح بیت (کفاف کی دهد این باده‌ها به مستی‌ها / خم سپهر تمی شد زمی پرستی) آمده است: "انجماک در هر کار سبب حرص مغرطبران کار می‌شود. چنانکه مداومت بر خم موجب زیاد نوشیدن خم می‌شود." آیا بیت (آسمان بار امانت نتوانست کشید / قرمه فال بنام من دیوانه زند) چنین معنا شده است: "برای انجام امور مهم و مشکل، همیشه اشخاص متمور و بی‌پروا نامزد می‌شوند!"

و نیز در برابر بیت: (شد آنکه اهل نظر برکناره میرفتند / هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش) این توضیح آمده است: "وقتی که زمامداران مملکت اهل فضل و دانش باشند، فضلا ودانایان ترقی کرده علم و هنر توسعه می‌یابد!"

* * *

"کتاب کوچه" احمد شاملو که نزدیک به نیم قرن پس از امثال و حکم دهخدا و داستان نامه بختیاری، تدوین شده است، از امتیازات تخر تاریخی، سود جسته و توانسته است از بسیاری از کاستی‌های اسلوبی و تاحدی مضمونی دواثر پیشین بهره‌برد. موضوعات فرهنگی هم‌اویه در این کتاب صحت معنایی متمایز، طبقه‌بندی شده است. این طبقه‌بندی بلحاظ اسلوبی ضرور بوده راه بررسی‌های دقیق‌تر را هموار کرده است، اما در همین حال در مواردی که اندک نیست - یک مضمون مثلی یا حکمی، به صورت مختلف، تحت عناوینی متفاوت و به تکرار و تکرار مصدری و ترکیبات دیگر، ثبت شده و به تکرار و تطویل مطالب آن مجموعه انجامیده است. اگر معیار نقل مطالب، حد تداول آن در ذهن و زبان مردم باشد، در آن صورت انتخاب، ممکن و اجتناب از تکرار، میسر است.

در کتاب کوچه، علیرغم تمایز عناوین،

می‌باشند؟ در حالیکه استاد، وقتی سخن از "امثال" مشابه ایرانی به میان می‌آید، استنتاجی بکلی مغایر آن می‌کند. بهمینار می‌نویسد: "بعضی از سیاحان ملل در سیاحت نامه‌های خود، ملت ایران را به لاقیدی در زندگی، تسلیم در برابر حوادث، توکل و تقوی امور به قضا و قدر، عدم سعی و اقدام، معرفی نموده‌اند. منشاء این تصور خالی از حقیقت است، معاشرت با معدود ادیرانیان لابلالی است که نظیر شان در هر ملت یافت می‌شود. لکن اهل بصیرت و تحقیق می‌توانند عقیده اکثریت ملت ایران را در موضوع سعی و توکل، از مقایسه امثال دیگر استنباط نمایند." و عجب اینکه خود ایشان که اهل بصیرت و تحقیق اند این اسلوب را در استنباط از این یا آن مثل حبشی از یاد می‌برند و آنچه را که بر ملت خود نمی‌پسندند بر ملتی دیگر رومی دارند.

در رابطه با نقش قضا و قدر در امثال و فرهنگ مردم ایران، استاد دهخدا، واقعیت را اینگونه می‌بیند: "راجع به قضا و قدر، امثال صومالی و شعری بسیاری در این کتاب (امثال و حکم) دیده می‌شود. این حقیقتی بوده است که اینهمه نوع این فکر در ایران بوده است و من کتمان آن را روانداشتم. این امر در یک مملکت که قرن‌ها به ملوک الطوائینی دچار شده و همیشه مورد تعاجم‌آمادی بوده و امیر صبح، اسیر شب و ماجراجوی امروز، سلطان عظیم‌النشان فردامی گردیده، طبیعی است."

توضیحاتی که استاد بهمینار بر برخی از امثال شعری از جمله اشعار حافظ نوشته است، بنظر میرسد با تامل کافی صورت نگرفته است. بهمینار کوشیده است شعر حافظ را در یک یا دو جمله معنا کند. آنهم اشعاری را که ارزش تمثیلی و کنائی فوق العاده‌ای دارند و به برکت ایجاز کلام، خصلت مثلی یافته‌اند. توضیح شعر حافظ در چند کلمه بندرت ممکن است به محدود کردن دایره معنای آن نیانجامد. شعر حافظ نیازمند تفسیر و تحلیل است نه توضیح اختصاری بشیوه کتاب‌های فرهنگ لغت. مضافاً اینکه در توضیح

آیا جهان یک بازار است؟

* آیا سیستم جهانی می تواند به یک بازار جهانی محدود گردد؟

سیرامین

بخش دوم

ترجمه از: ب. کیوان

در جنوب و شرق اینتلور نیست. این جافراملی شدن به منجمی که مدافعان آن از جریان مسلط می فهمند (یعنی بدون امتیاز دادن به استقلال ملی) بر شیوه معین فقریادار برای اکثریت و تشدید محرومیت های تحمل ناپذیر دلالت دارد. در این صورت یگانگی جهان بر پایه بازار ناگزیر حامل انفجارها و فوران های حاد است. جهان سوم و مخصوصا مناطق نیمه پیرامونی (کشورهای جدید صنعتی و غیره) همچنان منطقه توفان هاباتی می ماند. وضعیت عینی کشورهای شرق از این حیث با وضعیت جهان سوم شباهت های زیادی دارد.

بنابراین، اختلاف میان گزینش "فراملی شدن بدون امتیاز" و گزینشی که می کوشد استقلال ملی را حفظ کند (که من آن را ناپیوستگی در شرایط عصر ما می دانم) در این سرزمین ها جنبه حاد دارد. در این جا همچون غرب درباره این مسئله توافق وجود ندارد. طبقات رهبری به فراملی شدن که من این جا آن را کمپرادوری

کردن (Compradorism) می نامم، پاسخ مثبت می دهند. چون این امر به یک انطباق منفی می انجامد و در مقایسه با انطباق کامیاب یا ناکام بر پایه معیارهای بانک جهانی کم اجیت است. طبقات موصوف به این هلت به سازگی به آن پاسخ مثبت می دهند که سود بردن گان واقعی جهانی شدن در ارتباط با درآمدها و قدرت ها هستند. اما طبقات توده های قربانیان این نوع جهانی شدن اند. بنا به این واقعیت تا زمانی که یک بدیل توده ای عینی لازم را به کرسی نشاند، سر بر این پایه است که جهان سوم هنوز مساوی با منطقه

توان هاست. این توان حاصل "تکرار ضرور تاریخ" نیستند. زیرا جهان سوم باید مرحله هایی را که غرب پیموده در نورد و گشمتکشی های ملی، قدرت ها و غیره را دوباره تجربه کند. تزه های باب روز ماکس و بریای جدید که چیزی فراتر از این نمی گویند، این نکته اساسی را ندیده می گیرند که این توان حاصل ضرورت توسعه جهانی شدن

تطلب بندی سرمایه داری است. پیشگویی نتیجه این توفان ها هم شکست و پیروزی ها، و دستکم جزیی، به همان اندازه گمان زنیها درباره آینده ای که فرا دست نباشد، مشکل است.

پس اختلاف های جزیی که من آن را در آنچه که در پی می آید به فراملی شدن و کیفیت های انطباق بهتر مربوط است، وارد می کنم، مبتنی بر گذشته بی واسطه است و در آینده در معرض همه تلاطم هایی خواهد بود که از توفان های پیش نتیجه می شود. به نظر می رسد که چین تا این جا یگانه استثناء نیرومند را در زمینه گزینش کمپرادوری شدن تشکیل می دهد. از این رو، این کشور می تواند شایسته آن باشد که در آینده برای ورود محسوس تر به اقتصاد جهانی به بازی ظرفی بپردازد، بی آنکه

از تقویت ساختار سازی خاص متمرکز ملی چشم ببوشد. همه چیز به تحول سیاسی درون این کشور بستگی دارد. اما چون او از مضمونی که من به این اصطلاح داده ام جدا شده، لذا عامل درونی دوباره قطعی می شود. البته، نمونه های دیگری از بدیل ها در زمینه کمپرادوری شدن وجود دارد. با این همه، باید اختلاف های آنها را بیان کرد و آنها را از یکدیگر تمیز داد. کوبا و ویتنام همچنان "مقاومت می کنند". اما طرفی که آنها در غربت انتخاب کرده اند، طرفی است که امپریالیسم در برخورد به "کشورهای کوچک" تحمیل کرده و از تخریب اراده ملی آنها صرف نظر نکرده است. در دنیای "سرمایه داری" هند جای کاملاً ویژه ای دارد که شاید مربوط به وسعت آن است (همان هاملی که برای چین هم به حساب می آید). با این همه، این مسئله حقیقت دارد که فرسودگی تدریجی ایدئولوژی ملی نهر و ایندیرا گاندی به سوی او جگریری تمایلات کمپرادوری بورژوازی هند است و خطرهای ناشی از فشارهای ناسیونالیسم محلی بنای عظیم هند، آینده آن را نامطمئن ساخته است. کره جنوبی و تایوان شکست انگیزترین استثناءها را تشکیل می دهند. چون مسئله بنابر اصول هبارت از کشورهای "شد سوسیالیستی" است. کامیابی آنها در حقیقت یک رشد شتابان فارغ از هدم تعادل شدید در زمینه پرداخت هایشان نیست. سایرین هم به چنین دستاوردی رسیده اند. کامیابی آنها هبارت از ایجاد ساختار سازی ملی پیرامون یک دولت نیرومند بر پایه توزیع در آمدی است که نابرابری های

در چار چوب های معینی حفظ شده و به فرمان در آمده است. مشخصاً کاری که دیگران انجام نداده اند. در حقیقت کامیابی آنها در این است که دقیقاً آنها مخالف آنچه دگم لیبرالی می آموزد رفتار کرده اند! چرا؟ دلایل ویژه تاریخی (و شاید فرهنگی که نیاز به بحث دارد) و سیاسی (رتابت کره شمالی و چین) آن را توضیح می دهند.

به درستی که هیچ استثناء دیگری در کشورهای جهان سوم سرمایه داری وجود ندارد. چه در کشورهای ثروتمند (مثلاً نفتی) و کشورهای فقیر، چه در کشورهای

بخاطر "کامیابی" شان (در ارتباط با رشد و موازنه خارجی که لیبرالیسم به عنوان یگانه ملاک آن را حفظ کرده) مورد تحسین بانک جهانی اند و بالاخره در "جهان چهارم" که به عنوان قربانیان مصائب هملا از پا در آمده اند. در این قلمروها چیزی که امکان دهد از کامیابیها در ارتباط با ساختار سازی تقویت شده ملی صحبت شود، وجود ندارد. البته در این راستا جاذبه ها و کوشش هایی در کشورهای مورد بحث با منشا متفاوت وجود داشته است که برخیا

در میان برخی طبقات یا تشریح بیابینی جدید، دهقانان دولتمند یا کارفرمایان کوچک حامیان اجتماعی خود را بدست آورد. عینا همان وضعیتی که در جهان سوم وجود دارد. طبقات توده ای باید تاوان این "انطباق" ها را به بهای کاهش ناچهار سطح زندگی خود، بیکاری فراگیر، قطع خدمات اجتماعی و غیره بپردازند. و این وضعیت آنطور که رهبران جدید این کشورها سعی در باوراندن آن دارند، به یک "دوره کوتاه گذار" اختصاص ندارد، بلکه یک امر قطعی است. این طبقات در برابر این تحولات ناگزیر چه عکس العملی نشان خواهند داد. پی بردن به این موضوع هنوز زود است. البته باید منتظر واکنش های ممکن درون تاب بود که ناسیونالیسم هایی با کیفیت پائین را (که سلطه غرب می کنند) این ناسیونالیسم ها همانطور که این کشورها در سال های ۲۰، ۳۰، ۴۰ شاهد بوده اند، باید دید کتاتوری های "پوپولیستی" را تشکیل می دهند.

رویدادها در ارتباط با شوروی بسیار فرخنده است. سرشت گشمتکشی های اجتماعی، درک هدف ها، نقش این کشور به مثابه ابر قدرت نظامی و حدت مسايل ملی به نحوی با هم گره خورده اند که حتی تحلیل های مبتنی بر بهترین اطلاعات از عمده چند و چون آنی آن بر نمی آید. با این همه، تقریباً به مگاشنه می توان فکر کرد که اگر شوروی موفق به نوسازی خود گردن، و - یا بانقمان گرفتن مجموع روسیه - به اتحاد لازم نایل آید، خواهد توانست برای در آمیختن اصلاحات سیاسی دمکراتیک، بهترین مدیریت اقتصادی، الحاق بیشتر به اقتصاد جهانی و همزمان حفظ اصولاً تقویت - ساختار سازی خود متمرکز ملی بازی ظرفی انجام دهد. طبیعت اجتماعی این سازش مثبت میان نیازهای فراملی شدن و نیازهای ساختمان درونی سازمان یافته و مستقل به آنچه که من آن را "توصیف اجتماعی ملی و توده ای" توصیف کرده ام - که انقلاب ۱۹۱۷ آن را بوجود آورد، اما بر اثر اشتباه بعدی در روی آوردن به ایدئولوژی "ساختمان سوسیالیستی" به تاراج رفت، نزدیک خواهد شد. تاریخ حتی روی این فرضیه خوش بینانه درنگ نمی کند. یک چنین سیستمی ضرورتاً در آینده با به سوی شکل گیری سرمایه داری پیشرفته مجم (طلب جدید) و یا با مضمون اجتماعی خود به طرف ادامه تحول ترقی خواهانه راه خواهد جست.

کامیابیهای اقتصاد جهانی را نمی توان با مقیاس های اختصاصی ملاک های رشد و موازنه خارجی سنجید. توزیع درآمدی که بنابر مجموع ملت تقریباً عادلانه در نظر گرفته شود، یک ضرورت مطلق است و بدون آن ملت و یکپارچگی اجتماعی وجود ندارد. بدون استقلال نسبی نسبت به خارج () در زمینه های تکنولوژیک، مالی، مواد غذایی، صنعت، نظامی، فرهنگ (ملت مضموم ویژه اش را از دست می دهد. زیرا در این صورت ملت یک موضوع فعال در ساختمان جامعه جهانی نیست. و از دگی هایی چون

متابعت کورانه در برابر فراز و نشیب های تحول که هیچ کشمکش روی آن وجود ندارد، بیشتر به واکنش های منفی گرایش دارد. در واقع کامیابی های اقتصاد جهانی بر این پایه سنجیده میشود: آرایش مورد بحث تضادهای بر شمرده را شدت داده و بر نابرابری ها و وابستگی افزوده یا به عکس آنها را تخفیف داده است؟

داده هایی که اقتصاد رسمی فراهم می آورد، پاسخ به این سوال ها را ناممکن می سازد. زیرا اصولاً از تماس با آنها اجتناب می کند. بنابراین، استقادهای که از این داده ها می توان کرد، بسیار محدود است. این داده ها در ضمیمه آماری مندرج در آخرین گزارش های بانک جهانی خوانده می شوند. اما تفسیری که بانک جهانی به آنها کرده می زند، یکسره میان تخی و بی مورد (و مقدمتا بری مشروعیت بخشیدن به دگم های خاص آن) است و مناسبت منطقی باین "داده" ها ندارد. بدون شک بانک جهانی بنابر قید "اخلاقی" گاه گاه یک سلسله مطالب در ارتباط با "فقر" را به گزارش خود سنجاق می زند. انتخاب این اصطلاح که برای او معنای خاصی دارد، به زبانی ادا میشود که زبان علم نیست، بلکه واژگان بحث هایی است که چند میلیون یا رجل دولتی در ضیافت های نوه دوستانه به زبان می آورند. هرگز فقر مورد بحث به مکانیسم های رشد مورد ستایش اقتصادی ربط داده نمی شود.

از این رو، تفسیر من درباره کامیابی های جهانی شدن از این تر است: نخست اینکه اقتصاد سرمایه داری جهانی واقعاً از پایان دهه ۶۰ در بحران است. مرحله دراز مدت رشد مداوم از پس از جنگ دوم جهانی به پایان رسیده است. از ۱۹۷۰ نرخ های متوسط رشد تولید ناخالص داخلی به دو سوم دوره پیش و نرخ های متوسط تولید کشاورزی و صنعتی به نصف تقلیل یافته است. اقتصاد رسمی در ارتباط با رویدادهای اقتصادی ("کندی تولید"، "واگشت" و غیره) روی تحلیل تحولات سال به سال اصرار می ورزد، حال آنکه مسئله مانند همیشه هبارت از مرحله دگرگونی ساختاری بر پایه "بحران" (فاز B سیکل طولانی) است که ژرفش فرا ملی شدن آن یکی از عناصر اصلی را تشکیل می دهد. وانگهی، متمرکز شدن توجه روی اروپای سیستم های سوسیالیستی و جنبه مالی "بحران جهانی" (وام، نوسانات مبادلات، تورم و غیره) باعث شده است که پایه بحران ساختاری که تحولات اوضاع بر پایه آن جریان دارد، فراموش شود.

دوم اینکه: اروپای سیستم های اقتصادی (سیاسی) اروپای شرقی، آینده نامطمئن شوروی و چین دو مین بعد اصلی دگرگونی ساختاری جاری را تشکیل می دهد. من این جا خواننده را به آنچه در باره موضوع (آینده سوسیالیسم) نگاشته ام، فرامی خوانم. سوم اینکه: تحول و پیشرفت چین و هند با توجه به حجم های متمرکز استثنایی جمعیت، عنصر اساسی آینده سیستم جهانی را تشکیل میدهد. با وجود این، در این زمینه باید گفت که مقایسه بطور

تعلق بنفع چین است. ملاک های رسمی اقتصاد نخستین عنصر مقایسه را تشکیل می دهند. نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در چین در دهه طولانی (۱۹۹۰ - ۱۹۵۰) دو برابر و رشد درآمد سرانه آن سه برابر شده است. صادرات (مخصوصاً صنعتی) چین نسبت به صادرات هند بطور نسبی دو برابر شده است. نرخ سرمایه گذاری های خالص در چین ۱/۵ برابر بیشتر است. برای چین وام خارجی بسیار اندک در ارتباط نسبی با هزینه خدمات آن نسبت به صادرات (سه بار سبک تر است).

فرا تر از این ملاک ها، کامیابی های چین در دو قلمرو پیش گفته قابل مقایسه نیستند. برای اثبات این که توزیع درآمد بطور بنیادی در این دو کشور متفاوت است، ادبانه "ماها" نیاز نیست. در چین هیچ جامنظره فقر فیر انسانی که در همه جای هند براحتی با آن برخورد می کنیم، به چشم نمی خورد. با این که وزن مصارف اداری (که از میانه ۸۰ در چین سبک تر شده) به نظر قابل مقایسه است، معذالک موثر بودن آنها و دسترسی به خدمات اجتماعی برای اقشار مختلف مردم در چین اگر میسر نباشد، بدتر نیست. در زمینه وابستگی خارجی داوری دشوار است. جهش صادرات چین در دهه ۸۰ که نتیجه انتخاب سیاسی-اداری است، قابل توجه و بررسی است. انسداد تقریباً کلی کشور به روی مبادلات خارجی که

امپریالیسم در دهه های ۵۰ و ۶۰ تحمیل کرده بود، موجب شد که چین به شیوه معین و به طرز مثبتی از آن برای اتکا به خود و دست یازیدن به دگرگونیهای ترقی خواهانه عظیم اجتماعی در برابر خطرات فشار خارجی استفاده کند. علاوه بر این کمک شوروی در دهه ۵۰ از لحاظ نخستین شالوده ریزی ظرفیت های صنعتی تکنولوژیک و نظامی نباید فراموش گردد. اما سرانجام جهش به سوی واردات (که پرداخت زیاد از محل صادرات الزام داشت) به دورنمای "چهار مرحله مدرنیزه کردن" (چون لای) تحمیل شد. آیا این گشودن دروازه ها به روی واردات به روند مسلط تبدیل شده است؟ جواب دادن به همان نسبت که آثار فاسد آن غالباً از مجرای تمایلات مصرف کنندگان ممتاز دهن می گشاید، دشوار است. با این همه طبیعت قدرت در چین که چون هند مستقیماً و منحصر توسط طبقات بورژوازی اعمال نمی گردد، تا این جا فشارهای منفی محیط بین المللی را محدود کرده است.

به این دلیل باید تحلیل را با تکیه بر طبیعت تغییراتی که پس از هاو انجام گرفته و مسایلی که آنها برای آینده مطرح می کنند، ادامه داد. برخلاف اظهارات منتقدین شیوه مائوئیسم رشد اقتصادی در دوران مائوئیسم با به موهبت کوشش های سرمایه گذاری جمعی در آبیاری، تعادل بهتر میان مناطق مختلف چین شتابان و برای دراز مدت متوازن تر بود؛ می دانیم که شتاب دادن به رشد کشاورزی در نتیجه اجرای سیاست جدید تنگ نتایج ظاهراً درخشانی در نیمه نخست دهه ۸۰ به بار آورد. اما این

یادداشت اقتصادی - اجتماعی

راه‌های کسب ثروت‌های بادآورده

بعروز خلیق

کرده و درآمدی به دست آورده است. ولی اینطور نیست. یکی از شیوه‌های کار این آدم این است که از صادراتی که به خارج دارد ارز بدست می‌آورد و از طریق ارز مواد اولیه مورد نیاز را خریده و وارد کشور میکند. او بجای اینکه مواد اولیه را صرف مصارف کارگاهی کند نصف بیشتر آن را با قیمت بسیار بالا در بازار می‌فروشد.

فردی از نوکیسه‌گان عناصر دولتی هستند که از ادارات بیرون آمده و شرکت‌هایی دایر کرده‌اند. آنها با نفوذی که در ادارات دارند از تصمیمات وزارتخانه‌ها در مورد ممنوعیت و یا آزاد کردن ورود کالاها مطلع می‌شوند و بز پایه آن کالاها را خریده و انبار می‌کنند و بموقع با قیمت‌های کلان می‌فروشند. یا سفارشات دولتی را با هزار دوز و کلک از سازمان‌های دولتی می‌گیرند و با ساخت و پخت با مقامات دولتی اجناس مورد نیاز را با قیمت‌های بالا بفروش می‌رسانند.

یکی از راه‌های کسب ثروت‌های میلیاردری خرید کالاهای احتکار آنها و ایجاد کمبود در جامعه است. نوکیسه‌گان، پنبه گرگان و گنبد را با سرمایه‌های حدود ۷-۶ میلیارد تومان بمنظور فروش به چندین برابر قیمت خریدند و بحران برای کارخانجات نساجی بوجود آوردند. در سال ۶۸ هدهای از دلالان در حدود ۲۰ میلیارد تومان برای خرید سیب‌زمینی و احتکار آن سرمایه‌گذاری کرده بودند. با این سرمایه کل تولید سیب‌زمینی کشاورزان راکیلویی ۸ تا ۹ تومان پیش‌خرید (سلف‌خری) کرده بودند. (کیهان اول آذر ۱۳۶۸)

اینها تنها شمعی از راه‌های کسب سودهای بادآورده است.

نمونه‌ها ("نیازهای اساسی" و غیره) فراهم می‌آورند، میتوان حل کرد. این عمل سرازیر کردن این اقدامات به کام ناکامی است. (با اینکه این موضوع پس از هر ضربه تأیید می‌گردد، معذالک بانک از انتقاد از خود خدوم‌ترده می‌رود، حال آنکه خودم‌ترده رسان این اقدامات بوده و بطور خستگی‌ناپذیر بحث مرسوم نیکی و احسان را دنبال می‌کند). در زمینه‌های دیگر که بیشتر سیاسی است - مانند مسئله دموکراسی - تضاد میان نیازهای عینی انباشت جهانی تطب‌بندی کننده و نیازهای یک پیشرفت دموکراتیک نمایان است (رجوع کنید به مسئله دموکراسی در جهان سوم سمیرامین).

جهان سوم فزاینده از تنوع شرایط در همه نقاط اساسی یک سیستم (پیرامونی) در سیستم سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد. بحثی که روی تنوع شرایط تکیه می‌کند هیچ چیز کاملاً جدید را کشف نمی‌کند: جهان سوم (پیرامون کامل) و جهان چهارم (پیرامون ایران) همواره در توسعه جهانی سرمایه‌داری همزیستی داشته‌اند.

ترجمه ب. کیوان عرزداد ۷۰

پارچه‌ها را پس از تخلیه متری ۳۰۰ تومان به دلالان و واسطه‌ها می‌فروشد و آنها نیز این پارچه‌ها را در بازار تا متری ۶۰۰ تومان می‌فروشند. شرکت از این معامله فقط دو میلیارد تومان سود خالص می‌برد. (کیهان ۱۹ آذر ۱۳۶۸).

اطلاعاتی که این عده چپاولگر گاه از هم نسخه‌های خود می‌دهند، ابعاد فزاینده‌تری را به خوبی نمایان می‌سازد. یکی از معامله‌گران اتوموبیل می‌گوید: "آقای 'و' که پولش از پارو بلا می‌رود از اول جنگ تا حالا تعداد خانه‌ها و ویلاهایش دو برابر شده. آقای 'ص' ده تا پاساژ دارد و توی معامله همه چیز است. معامله ارز، معامله ماشین، معامله طلا. این آقا برای اینکه مالیات ندم چندتا به اصطلاح موسسه‌خیریه‌ها باز کرده است." او اضافه می‌کند: "یکی از این آقایان سرمایه‌دارها قبل از انقلاب شاگرد معاملات ملکی بود. الان یک خانه دارد که ۸۰ میلیون می‌ارزد." (روزنامه کیهان ۱۶ آبان ۱۳۶۸)

نوکیسه‌گان با ارز صادراتی و یا ارزی که از دولت می‌گیرند، مواد اولیه از خارج وارد کرده و بجای اینکه در کارخانه‌ها استفاده کنند، در بازار آزاد به قیمت‌های سرسام‌آور بفروش می‌رسانند و پول‌های کلان دست می‌یابند. یکی از افراد آشنا به وضعیت معاملات در بازار به خبرنگار کیهان می‌گوید: "یک نفر را می‌شناسم که در سال ۶۶ در یک زیرزمین ۵۰ متری کارگاهی را دایر کرد و چند نفر را برای کار استخدام کرد همین شخص با گذشت ۸ سال میلیاردها تومان ثروت بهم زد و چند کارگاه بزرگ تولیدی در تهران و یک کارگاه در جاده ساوه دایر کرده است. او در حال حاضر تیر آهن به خارج از کشور صادر می‌کند. با این حساب حتماً می‌گوید خوب این آدم کار

"وابستگی" که گفته می‌شود دیگر باب روز نیست، یک عمل نمایان است و به تأیید بررسی‌های انجام یافته، "فاصله تکنولوژیک"، جهانی شدن، مدل‌هایی، توطئه‌های جیمی منتقل می‌شوند، وام خارجی و غیره شدت یافته است. اما وابستگی نه هلت و نه معلول نابرابری در توزیع است. وابستگی، همانطور که این نابرابری بطور تنگ‌تنگ با آن پیوند یافته، عنصر دانشی توسعه جهانی انتقاص سرمایه‌داری است. این یک روی سکه است. روی دیگر آن باکمپرادوری شدن طبقات ممتاز بهرمنند از این توسعه تشکیل می‌دهند. طبقات مذکور نه "قربانی" بلکه وسیله این وابستگی‌اند.

حل این مسائل هم زمان مستلزم کنترل روابط خارجی و دخالت‌های فعال دولت در ساختار سازیمای مدیریت تولید، سازماندهی توزیع اجتماعی، کاوندگی رشد، شغل، تربیت‌کادر و غیره است. از دیدگاه بانک جهانی و آژانس‌های غربی "مسئله فقر" را نه بانتقاد و زیر هلاکت سؤال قرار. دادن دگم‌های لیبرالی، بلکه با کنار هم چیدن اقدامات جزئی که شیوه‌های پی هم آمدن آن را

وضعیت نابسامان اقتصادی کشور طی دهه ۶۰، فرصت‌هایی طلایی برای عده‌ای سود جو و غارتگر به وجود آورد. آنها با شناخت وضع بازار کالاهای مختلف و با دوز کلک، ثروت‌های کلانی اندوختند و در مدت کوتاهی بار خود را بستند. "نوکیسه‌گان" تردست با اقتنای فرصت، کالاهای ضرور مردم را خریده و انبار نموده‌اند و با قیمت‌های بالا فروختند و یا از طریق معاملات سکه، طلا، ارز، اتوموبیل، مسکن و غیره ثروت‌های کلان انباشتند. در اینجا صحبت از سود متعارف در تولید و تجارت نیست، صحبت از یک شبه ره صد ساله رفتن است. صحبت از زاده شدن پول از پول است بدون اینکه کالایی تولید شود و یا خدماتی انجام گیرد. سخن از سیل خروشان پول و نقدینگی است که همچون موج‌های سرکش ساحل اقتصاد کشور را ویران کرده و فقر و فلاکت مردم را دو چندان کردند. در دهه ۶۰ گروهی نوکیسه راه‌های جدیدی را برای کسب ثروت‌های بادآورده یافتند و هر قدر که توانستند ثروت‌های کشور را چاپ‌بند و هر روز فربه و فربه‌تر شدند. مشی آنها این بود: "کلک بزن، زرنگی و فرصت‌طلبی کن و تا میتوانی پول پارو کن."

صاحب یک جواهر فروشی در پاساژ محسنی به خبرنگار کیهان می‌گوید: "میلیون تومان سود در فروش فریاضی اتوموبیل یک مسئله هادی است. اگر این سودها زیاد نباشد کسی به دلالی روی نمی‌آورد." مسئولین قضائی در سال ۶۸ اعلام کردند که یکی از سرمایه‌داران با یک تلفن ۳۰۰ میلیون تومان سود برده است. به نوشته روزنامه کیهان: "یکی از شرکت‌ها یک کشتی حامل پارچه را روی آب به قیمت یک میلیارد تومان بر اساس متری ۹ تومان معامله می‌کند. این شرکت

۲۰ تا ۳۰ درصد جمعیت بالقوه فعال اختلاف سطح ممکن را به نمایش می‌گذارد. شهر سازی بی قواره که پیوسته رو به رشد است، افزایش جمعیت شهری که متجاوز از نیمی از کل جمعیت آمریکای لاتین و جهان عرب را در بر می‌گیرد و بسیاری از کشورهای دیگر به این سطح نزدیک می‌شوند، جلوه‌ای از تضادهای اجتماعی است که توسعه سرمایه‌داری از کنترل آن عاجز مانده و مخصوصاً در آفریقا اثر تخریب جامعه‌های روستایی شدت چشم‌گیری یافته است.

در چنین شرایطی مسئله پیشرفت در جهان سوم ایجاب میکند که علیه قانون طبیعی انباشت رفتار کنیم و در پی تطبیق دادن خود با آن باشیم. این استنتاج حتمی برای هنگامیکه رشد در چهارچوب مناسبات اجتماعی و اتفاقاً سرمایه‌داری منحصر به زمانی نیست که رشد برپایه مناسبات متحولی درک شود که به قدرتهای مظهر اتحادیاتی توسعه‌ای مربوط می‌گردد. بنابر این، ما دلایل کامیابی این رشد را در کره و تایوان که مشخصاً خلاف گرایش‌های مسلط و توصیه‌های لیبرالی رفتار کرده‌اند، درک می‌کنیم.

کامیابی‌های آسیای شرقی از سرشتی دیگر است. من این جا هنگ‌کنگ و سنگاپور را به دلایل روشن حذف می‌کنم. فقط آنچه در بالا گفته‌ام باز تکرار میکنم: کره و تایوان رشد خود را بر پایه دولت قوی و یکپارچگی تمرکز ملی و اجتماعی تأمین کرده‌اند. اینها یگانه کامیابی‌های حقیقی سرمایه‌داری در جهان سوم‌اند!

بنابراین، باید از ملاک‌های رسمی فزاینده و به تحلیل دورنمایی که در از مدت‌تراز رشد محتمل در چارچوبی است که من آن را "سرمایه‌داری موجود" (در تقابل با مدل-نمونه ایدئولوژی اقتصاد لیبرالی) باز و بسته در مناطق پیرامونی سیستم سرمایه‌داری جهانی می‌نامم. برای این کار باید به چیزی تکیه کرد که تحلیل رسمی از آن احترام می‌جوید و آن عبارت است از: توزیع درآمد، شغل، تربیت‌کادر، خدمات اجتماعی، نقش دولت، تضادهای رشد (مخصوصاً شعر - روستا) و غیره.

با توجه به این موارد دستاوردهای جهان سوم بطور کلی منفی است. بدون نابرابری در توزیع درآمد، همه‌جا، حتی در هند، اهم شدت یافته است. این وضعیت با گرایش‌های کشورهای که رشد بسیار نمایانی دارند، تقویا شدت می‌یابد. یگانه استثنا به زوج کره تایوان مربوط می‌شود. بدیهی است که در جات این نابرابری متوجهند. چنانکه در آمریکا لاتین به ملاحظه و امجایش در مجموع دارای مدل اجتماعی بسیار نازل است. "لیبرال"ها با ذکر این مطلب که در آغاز سرمایه‌داری در اروپا وضع به همین منوال بوده نظر مساعد نسبت به اوضاع دارند. آنها از یاد می‌برند که بگویند بچوب بعدی مدل توزیع به موهبت مبارزات کارگران (که با وجود این، آنها آن را در جهان سوم محکوم می‌کنند) حاصل شده است. این کشورها در چهارچوبی رشد یافته‌اند که منفذ مساعدی برای توسعه طلبی امپریالیستی است. پس قانون انعطاف‌ناپذیر انباشت، آنگونه که مارکس آنرا فرمول‌بندی کرد، به وضوح در مقیاس سیستم جهانی "سرمایه‌داری و اتفاقاً موجود" و نه در مقیاس مراکز مورد نظر جداگانه آن عمل می‌کند (رجوع کنید به توزیع درآمد در سیستم سرمایه‌داری سمیرامین) و نیز آنرا فراموش می‌کنند این نکته را درک کنند که نابرابری فزاینده‌ای که پیرامون سیستم وجود دارد (بر خلاف ترمز مد روز پیروان جدید ماکس وبر) میراث دوران پیش از سرمایه‌داری نیست، بلکه محصول ناگزیر توسعه واقعی سرمایه‌داری است. آنها فراموش می‌کنند این را درک کنند که انباشت در مقیاس جهانی ساختارهای اجتماعی خاصی در مناطق پیرامونی وجود می‌آورد که برای گسترش مبارزات اجتماعی نظیر آنچه که در غرب بود، نامساعد است.

شاخصهای دیگر مخوم منفی قانون نابرابری فزاینده را که با توسعه سرمایه‌داری پیرامونی گره خورده است، شدت می‌دهند. در جای نخست مسئله بیکاری قرار دارد که آمارهای رسمی هیچ اندیشه‌ای از وسعت و میزان فوق‌العاده زیاد آن در شهرهای جهان سوم بدست نمی‌دهند. (میزان بیکاری بین

باصدارت پرهزینه است. بانک جهانی درباره این ملاحظیات که مقایر با دگم آن است، سکوت اختیار می‌کند.

پس نتایج در ارتباط با افزایش صادرات باید در مقیاس ارزش سرمایه‌گذاری‌شان (نسبت به درآمد کلی که بیشتر اوقات راکد میماند) سنجیده شود. زیرا صادرات تقریباً در همه‌جا، حتی در فقیرترین کشورها که درجا می‌زنند، در ارتباط نسبی با تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد. صادرات در هند و بطور کلی در کشورهای بینابینی و مخصوصاً نزد صادر کنندگان صنعتی (در جای نخست آسیای شرقی) به شدت افزایش می‌یابد. اما به چه بهایی برای جامعه؟ باید گفت به بهایی وام خارجی که این جا یکی از علت‌های خود را به تماشا می‌گذارد (البته هلت‌های دیگر نیز مستقل از سیاست‌های جهان سوم مانند ترقی نرخ‌های بهره به تصمیم دستگاه‌های آمریکا وجود دارد. ایات مربوط به وام در این باره آنقدر قنی است که نیاز ندارد چیزی به آن بیفزاییم. جدول شماره ۴ رجوع کنید).

البته می‌توان از نتایج منفی دیگری در ارتباط با بحران عمومی و فشاری که جهان سوم از بحران تحمل می‌کند، نام برد. آمارهای متعلق به مصرف اداری در تولید ناخالص داخلی تنها اطلاعات ناچیزی در زمینه نقش واقعی دولت در سرمایه‌گذاری و در خدمات اجتماعی ارائه می‌دارند. باینجه، ملاحظه می‌کنیم که اگر بدون تامل تکرار کنیم که این جا این وضعیت فوق‌العادی است در جهان سوم وجود دارد که ثقل نسبی نقش دولت در اقتصاد ملی و سعادتر هر جا در جهان سوم نسبت به آنچه در کشورهای (DE) است، پائین‌تر است، بدون شک تحمیل این ثقل واقعی در کشورهای فقیر بنا به واقعیت اهمیت نسبی بسیار زیاد تولید قیر کالایی دشوار است. اما مسئله واقعی خارج از این چارچوب کمی و مالی است و باید روی کیفیت خدمات، موثر بودن و کارکرد اجتماعی آن درنگ شود. چنین دخالتی که "کارشناسان خارجی" آن را ناموشر (یا زبان‌بار) می‌دانند، از حیث کارکردهای اجتماعی و سیاسی کاملاً معولانه و موثر است.

پس از نقطه نظر ملاک‌های رسمی اقتصاد لیبرالی نتایج حاصله در جهان سوم هرگاه فاجعه بار نباشند در حد متوسط‌اند. زرفش فراملی شدن پاسخ سومندنی به ستیزه جویی بحران نیست. در واقع او خود یکی از عناصر بحران است. از دیدگاه رسمی حقیقتاً فقط دو استثنا در برابر شکست عمومیت یافته رشد وجود دارد که یکی هند و آن دیگری آسیای شرقی است. کامیابی‌های هند حتی اگر خیلی پائین‌تر از کامیابی‌های چین باشد، نسبت به مجموع جهان سوم سرمایه‌داری وضع بهتری دارد. هند از بحران "رنج نمیدرد" بلکه به عکس، رشد موزونش را حفظ کرده است. یقیناً این امر محصول قواره آن و استقلال نسبی هملی بسیار نمایان در برابر خارج، بهترین شکل خود تمرکز یابی، و به عبارت دیگر محصول هلت‌هایی است که دقیقاً بر خلاف دگم لیبرالی پیشنهادی عمل می‌کند. با اینجه، هند در از مدت بخاطر دلایلی که بعد به آن می‌پردازیم، شکننده باقی می‌ماند.

سیاست‌فردایی ندارد. چون دقیقاً به‌زیان در از مدت انجام گرفته است. شتاب دادن به صنعتی شدن نیز روی مناطق ساحلی متمرکز گردیده است. با اینجه لازم به یادآوری است که استراتژی مائوئیستی نیز نمی‌توانست بی‌نهایت دنبال شود. این استراتژی در پایان دهه ۷۰ به سقف خود رسیده بود (مراجعه کنید به آینده سوسیالیسم، سمیرامین). اما انتخاب‌های آتی تنگ‌حامل تضادهای متعددی هستند که حل آنها موضوع کشمکش‌های جاری آشکار و نهان باقی می‌ماند. یکی از این تضادها سرعت گرفتن شهرنشینی است که به سرعت رخ می‌نماید (هرچند ارقام بانک جهانی بنا بر تغییر تعریف تحریف شده باشد).

چهارم این که بدون شک کامیابی‌های جهان سوم سرمایه‌داری در ارتباط با ملاک‌های رسمی رشد و تعادل خارجی از این تا آن گروه کشورها متفاوت‌اند.

با اینجه از دیدگاه یاد شده، این کامیابی‌ها در مجموع متوسط یا نافرجام‌اند. نرخ رشد به جز در هند و آسیای شرقی همه‌جا رو به تنزل است. فروپاشی آنها برای کشورهای جهان چهارم شوم و بدفرح‌ام است. آفریقای جنوب صحرا سال‌های زیادی نرخ‌های سنگین منفی در حد متوسط خود را در ارتباط با درآمد سرانه (نرخ منفی ۲ درصد) به ثبت رسانده است. برای مجموع کشورهای جهان سوم حتی برای کشورهای با درآمد متوسط همین وضع جاری است (دهه ۸۰ تنزل درآمد سرانه در آمریکای لاتین را نشان می‌دهد). یک چنین سقوطی برای کشورهای و مدار به شدت فاجعه بار است. انطباقی که به آنها تحمیل شده به صورت کاهش (و اغلب تخریب) ظرفیت‌های تولید اجرا شده است. حتی مجموع کشورهای صادر کننده صنعتی شاهد رشد آهسته بوده‌اند، (امداد ارتباط با درآمد‌های سرانه مثبت باقی مانده‌اند). تنها دو استثنا وجود دارد: یکی هند و دیگری آسیای شرقی (کره، تایوان، هنگ‌کنگ و سنگاپور ملاک‌های رسمی دیگر چیز بیشتری ارائه نمی‌دهند، بلکه همان تصویر را کامل می‌کنند. کوشش در سرمایه‌گذاری قبل از هر چیز از انقباض درآمد رنج می‌برد. البته، آمارها این جا مبهم و قابل تردیدند. با اینجه آنها رکود محتمل در سطح بالنسبه تعمیم یافته پائین را نشان می‌دهند که در کشورهای فقیر و کشورهای بی‌انطباق (وام‌ها) قرار دارند، بیشتر نمایان است. به عکس، افزایش نرخ سرمایه‌گذاری در هند و در کشورهای صنعتی صادر کننده را که مخصوصاً در آسیای شرقی چشمگیر است، یادآور می‌شویم. با اینجه، باید دانست که سرمایه‌گذاری‌هایی (مخصوصاً صنایع ویژه صادرات) نیاز دارد، در بی‌اندازه پرهزینه است. در چنین شرایطی رکود نرخ‌ها اغلب گریز از سرمایه‌گذاری مناسب را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری خالص منفی است و استهلاک‌های قروض را بیشتر از سرمایه‌گذاری ناخالص جذب می‌کنند. نرخ بهبود ضعیف فقط نتایج متوسط‌تر زمینه تولید صنعتی و صادرات رو به افزایش را نشان می‌دهد، اما در آنچه مربوط به تولید است متوسط و در ارتباط

در آستانه کنفرانس صلح خاورمیانه

"ما باید انتقام جوئی را به خاک بسپاریم"

مصاحبه اشپیگل با بربک کارمل رئیس جمهور سابق افغانستان

اگر اتفاق غیر مترقبه‌ای پیش نیاید، در روزهای آینده شاهد تشکیل کنفرانس صلح خاورمیانه خواهیم بود. در این کنفرانس علاوه بر امریکا و شوروی نمایندگان نیز از سازمان ملل متحد و جامعه اروپا به عنوان ناظر شرکت خواهند داشت. ریاست کنفرانس حسب ظاهر، مشترکا با امریکا و شوروی است، اما پوشیده نیست که ابتکار عمل در مذاکرات قریب الوقوع صلح خاورمیانه دست امریکاست و در واقع این امریکا بود که بلافاصله پس از خاتمه جنگ خلیج فارس در پی تلاش گسترده طی ۷ دور سفر جیمز بیکر به کشورهای خاورمیانه، مدمات این کنفرانس را فراهم ساخت. دور تازه سفر بیکر به منطقه که همین روزها در جریان است، ظاهرا با هدف از میان برداشتن آخرین موانع بر سر راه تشکیل کنفرانس صلح صورت می‌گیرد.

دلیل اصلی دولت امریکا برای پیگیری و پافشاری در برگزاری کنفرانس اینست که، در طول ۳۰ سال گذشته و از هنگام تاسیس دولت اسرائیل "هرگز چنین موقعیتی برای دست یابی به صلح واقعی وجود نداشته است. در چهارچوب موقعیتی که امریکا و اسرائیل برای فیصله بحران خاورمیانه در جستجویش بودند، بحث باید گفت "هرگز چنین موقعیتی" وجود نداشته است. ایالات متحده امریکا در طول تاریخ روابط خارجی اش، هیچگاه به اندازه امروز از قدرت و امکانات تاثیرگذاری بر سیاستهای منطقه ما برخوردار نبوده است. دولت‌های عربی، در رابطه با بحران منطقه، هیچگاه به مانند امروز ناگزیر از تمکین به سیاست امریکا و قناعت به فرمولهای کاخ سفید نبوده‌اند و جنبش فلسطین هیچگاه در موقعیت درناکی چون امروز قرار نگرفته بود. موقعیتی که امریکاییان از آن به عنوان "فرصت طلایی" در منطقه یاد می‌کنند چیزی جز فراهم بودن امکانات برای تحقق شرایط مطلوب اسرائیل و امریکا در بحران خاورمیانه نیست.

ایده کنفرانس بین المللی صلح برای خاورمیانه زیر نظر سازمان ملل، سالها پیش از جانب شوروی مطرح شد. اما با مخالفت جدی امریکا و اسرائیل مواجه شد. تحقق این امر در شرایط و تناسب توای آن موقع منطقه و جهان، مضایق با توسعه طلبی رژیم اسرائیل و چه بسا مانع ادامه اشغال سرزمینهای قریبی و بی‌احتیایی به حقوق ملت فلسطین می‌شد. اما امروز اوضاع و احوال منطقه و جهان بگونه دیگری است. اتحاد شوروی امکانات خود را برای تاثیرگذاری در سیاستهای منطقه از دست داده است. علاوه بر آن، مناسبات خود را با اسرائیل که از سال ۷۶ به این طرف قطع شده، بهبود بخشیده و در صدد است در آستانه تشکیل کنفرانس، مناسبات سیاسی خود را با اسرائیل از نو برقرار نماید. اقبال دولتهای عرب منطقه وابسته و یا متمایل به غرب و امریکا هستند. بحران خلیج فارس علاوه بر تشدید تنش و وابستگی به حضور مستقیم امریکا در منطقه و نقش فائده آن در سیاستهای منطقه منجر شد. جبهه عربی بحران اعراب و اسرائیل با حذف نقش عراق و چرخش حافظه به سمت امریکا، بطور کامل زیر تاثیر سیاستهای کاخ سفید قرار گرفته است. نتیجه آنکه جنبش ملی فلسطین در نامناسب ترین شرایط برای دفاع از حقوق خود قرار گرفته است. امروز آلمان فلسطین در مقایسه با چند دهه اخیر از کمترین حد پشتیبانی در میان دول عربی برخوردار است. بحران خلیج فارس و برخورد اشتباه آمیز رهبری ساف در این بحران، بهانه بدست

آنانکه دنبال دستاویزی برای شانه خالی کردن از بار مسئولیت خود در برابر جنبش فلسطین بودند، داد. اینکه فلسطینیها که خود از درد اشغال سرزمینشان رنج می‌برند نمی‌بایست به هیچ عنوان در کنار اشغالگر دیگری قرار می‌گرفتند، درست است و این نیز که محکومیت تجاوز صدام به کویت از سوی ساف، به تقویت جنبش ملی فلسطین منجر میشد، کاملا صحیح است، اما نباید فراموش کرد که تنها توهم نبود که رهبران فلسطینی را به موضع خطا سوق داد. در شرایط بی‌پناهی فلسطینیها در جهان عرب، میزان وابستگی آنها به امکاناتی که صدام حسین در اختیارشان قرار داده بود، بیش از آن بود که آنها براحتی بتوانند خود را از این محله دور نگاه دارند. در هر حال پیامد بحران خلیج فارس برای جنبش ملی فلسطین مهلک بود و آن را در موضعی قرار داد که نه تنها اسرائیل بلکه حامیان امریکائی و غربی آن نیز مشروعبیت ساف به مثابه نماینده قانونی ملت فلسطین و یک طرف جدی برای مذاکرات صلح را زیر سوال ببرند.

در حال حاضر اوضاع در آستانه برگزاری کنفرانس چنین است: اسرائیل هیچ نقشی را برای سازمان ملل در کنفرانس صلح خاورمیانه نپذیرفته، همانطور که تاکنون به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و قعی نگذاشته است و این گردنگشی، متاسفانه حساسیت دولتمردان قریبی را سکه دیروز زیر عنوان اینکه "قطعنامه‌های سازمان ملل باید اجرا شود" به خلیج فارس لشکر کشی کردند. برینانگیخته است. اسرائیل اسکان یهودیان در مناطق اشغالی را متوقف نکرده و نشانه‌ای از آمادگی آن برای تخلیه سرزمینهای اشغالی وجود ندارد. در مقابل شرکت فلسطینیان در کنفرانس دهها شرط و شروط دارد. بر خلاف برخی اظهار نظرهای در باره "بحران در روابط اسرائیل و امریکا" و نگرانی اسرائیل از قول و قرارهای احتمالی میان امریکا و برخی دول عربی، تمام هم‌دپیلماسی خاورمیانه‌ای امریکا طرف دوسه ماه اخیر متوجه قانع کردن اعراب به پذیرش شرایط اسرائیل بوده است.

فلسطینیها در آستانه کنفرانس صلح خاورمیانه با چنین وضعی روبرویند. اما این نابرابری و شرایط نامعادله روش بایکوت دز بر این مذاکرات خاورمیانه را ایجاب نمی‌کند. تصمیم شورای ملی فلسطین تصمیم بجائی است. فلسطینیها باید در مذاکرات قریب الوقوع شرکت نموده و از حق قانونی خود برای زیستن در سرزمین مادری و داشتن دولت مستقل دفاع نمایند.

جمهوری اسلامی اینبار نیز مانند گذشته در رابطه مساله فلسطین و روند مذاکرات صلح خاورمیانه موضعی ناخردانه اتخاذ کرد. تقریبا همزمان با تاریخ پیش‌بینی شده برای برگزاری کنفرانس صلح خاورمیانه، جمهوری اسلامی در صدد است "کنفرانس بین المللی حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین" برگزار نماید. این اقدام دولتمردان جمهوری اسلامی نیز همچون سایر موارد برخورد آنها نسبت به فلسطینیها قرض آلود است. آنها در پی آنند که از تارزاتیهای احتمالی در صفوف جنبش فلسطین بخاطر تصمیم شورای ملی فلسطین، به سود خود بهره برداری نمایند و این کار در این شرایط حساس جز تضعیف جنبش خلق فلسطین حاصل دیگری ندارد.

تشدید جنگ در کردستان عراق

هفته گذشته بدنبال حملات ارتش و نیروی هوایی عراق به منطقه کردنشین این کشور، شدیدترین درگیریها از هنگام وقوع قیام کردها پس از جنگ خلیج فارس، در این منطقه روی داد. نبردها در منطقه جنوب کرکوک متمرکز بود و در آن از تانک و هلی‌کوپترهای جنگی استفاده شد. به گزارش سازمان امداد "پزشکان بدون مرز"، نیروهای عراقی به روستاهایی در منطقه سلیمانیه نیز حمله کردند. سازمان‌های کرد عراقی اعلام کردند در این حملات، چندین نفر کشته و ۲۵۰ تن مجروح شده‌اند. این گزارش‌ها می‌افزاید از جنوب

کرکوک نزدیک به ۱۵ هزار نفر به سمت خاک ایران فرار کرده‌اند. از روز هفتم اکتبر، زدو خوردها تخفیف یافت. مدتی پیش وقوع درگیریهای جدید در کردستان عراق، از سوی نماینده سازمان ملل متحد در بغداد پیش‌بینی شده بود. او گفته بود به هلت کندی پیشرفت در مذاکرات خودمختاری کردستان و تحركات ارتش عراق در منطقه، اوضاع متشنج است. منطقه‌ای که درگیری‌های اخیر در آن روی داد و در استان کرکوک واقع شده است، طی ماه‌های گذشته یکی از موضوعات اصلی مورد اختلاف در مذاکرات خودمختاری

جدی پیش‌آتای بربک کارمل، رئیس جمهوری سابق افغانستان، پس از چهار سال اقامت در مسکو، به وطن خود افغانستان بازگشت. هفته نامه آلمانی اشپیگل، در کابل مصاحبه‌ای با کارمل کرد که جهت اطلاع خوانندگان "کار" این مصاحبه را اینجا درج می‌کنیم:

اشپیگل: شما بعد از اینکه از مقام خود برکنار شدید چهار سال در شوروی اقامت داشته‌اید. با اراده شخصی؟
کارمل: نه، این تصمیم شخصی من نبود. من سپر پلای اشتباه تاریخی و فیرقابل جبران اشغال افغانستان توسط شوروی بودم.

اشپیگل: اما شما کسی بودید که با ورود نیروهای شوروی به افغانستان و با کمک آنها به قدرت رسیدید. بنابراین حالا چه کسی مسئول رنج مردم افغانستان است؟
کارمل: جنگ افغانستان با ورود نیروهای شوروی، که ظاهرا برای حفاظت از مرزهای جنوبی شوروی بود، آغاز نشد. این جنگ با کودتای دولتی پرنس محمد داوود علیه ظاهر شاه در سال ۱۹۷۳ آغاز شد. این درگیری بعد از آوریل ۱۹۷۸ با قیام مسلحانه بنام سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا، که میبایست با متهای استالینیستی برقرار میشد، اوج گرفت.

اشپیگل: چرا شما زمانی که عدم موفقیت سیاست شما برای همه روشن شد، از مقامتان استعفا ندادید.
کارمل: من همیشه مخالف جدی حضور نظامی شوروی در افغانستان بودم. من از هر فرصت مناسبی که بدست می‌آمد، بر خروج فوری نیروهای شوروی از خاک افغانستان پافشاری میکردم. اما حتی بعد از استعفا من، نیروهای شوروی ۳ سال دیگر در افغانستان باقی ماندند.

اشپیگل: ترسی از به خطر افتادن جانتان نداشتید؟
کارمل: برای یک افغانی میهن پرست جان دادن برای سرزمین پدری امری هادی است. با وجود این من همیشه عدم پذیرش سیاست شوروی را اعلام داشتم.

اشپیگل: چه عاملی باعث بازگشت شما به افغانستان شد؟ می‌خواهید یکبار دیگر مسئولیت سیاسی را در افغانستان بعهده بگیرید؟
کارمل: من می‌خواهم برای بازگشت دوباره صلح و امنیت به افغانستان مبارزه کنم. من می‌خواهم برای تمامیت ارضی افغانستان، برای حقوق اقوام، ارزش‌های دموکراسی و حقوق انسانی فعالیت نمایم.

خود از اوضاع به کلی تجدید نظر کنیم. این در حالی است که اخیرا میان حزب دمکرات بارزانی و اتحادیه میهنی جلال طالبانی در مورد ارزیابی از روند گفتگوها اختلاف پیش آمده است. اگر چه "جبهه کردستان" توافق کرده بود که در صورت بروز اختلاف نیز به یک زبان سخن بگوید، بارزانی تا پیش از نبردهای اخیر نسبت به چشم‌انداز موفقیت مذاکرات، اظهار نظرهای خوش بینانه‌ای داشت و می‌گفت ظرف چند روز، توافق مربوط به خودمختاری آماده امضاء خواهد بود، اما طالبانی معتقد بود که پیشرفت‌هایی حاصل شده است اما هنوز باید از موانع بزرگی عبور کرد.

رژیم بغداد اواخر ماه اوت بدنبال چهار ماه مذاکره "آخرین پیشنهاد" خود را ارائه کرد. "جبهه کردستان" نتوانست در برابر این پیشنهاد موضع قاطع مخالف یا موافق بگیرد و طی یادداشتی، خواهان "صراحت بخشیدن" به پیشنهاد شد. به گزارش یک سخنگوی اتحادیه میهنی، بغداد هنوز پاسخ قانع مابقیه در صحنه ع

من شخصاً دنبال سمت و مقام نیستم. اشپیگل: شما در گذشته یکی از طرفداران انترناسیونال مارکسیستی بودید. تحولی که در شما بوجود آمده است تا چه حد واقعی است؟

کارمل: اتحاد شوروی با وجود داشتن یک رژیم توتالیتر و روش‌های استالینیستی و با تکیه بر دکترین برژنفی بسیاری از نیروهای مترقی و میهن پرست دنیا را تحت تاثیر قرار داد. نباید فراموش کرد که خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی مبارزات رهائی بخش ضد استعمار را همیشه مورد حمایت قرار می‌دادند. این پایه‌ای برای دوستی با افغانستان بود. علاوه کشورهای غربی، بویژه ابر قدرت امریکا، علاقه چندانی به کشور ما نداشتند. این یکی از عواملی بود که تعادل سیاست خارجی افغانستان را خدشه دار نمود. در ضمن حزب ما میچوقت یک حزب مارکسیستی نبود. ما ناسیونال - دمکرات هستیم و با اسلام با احترام برخورد کردیم.

اشپیگل: وقتی هیچگونه تضاد ایدئولوژیکی فیرقابل حلی با نیروهای اپوزیسیون، که هنوز هم با جانشین شما نجیب‌الله مبارزه می‌کنند، وجود ندارد، پس الان مسئله فطلمسئله قدرت است؟

کارمل: اساس فاصله میان نیروها تحریکات وجود دارد، جنگ هم ادامه خواهد داشت. هیچ سیاست مدار افغانی نمی‌تواند خود را از حوادث گذشته برکنار نگه دارد. برای بدست آوردن صلح، ما باید بر پایه سنت‌های اسلامی به حل درگیری بپردازیم و حکمت ارزیابی از گذشته را به نسل‌های آینده واگذار کنیم.


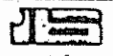
اشپیگل: آیا ظاهر شاه می‌تواند صلح را به کشور بازگرداند؟
کارمل: در طی آخرین دهه حکومت ظاهر شاه من ارتباطات خوبی با وی داشتم. من آنموقع ۸ سال نماینده مجلس بودم. با وجود اشتباهات هواداران ظاهر شاه، افغانستان در دوره پادشاهی وی سیاست خارجی بی‌طرفی را دنبال میکرد. افغانستان در آنموقع رشد اقتصادی داشت.

ظاهر شاه امروز میتواند سهم بسزائی برای برقراری صلح در افغانستان داشته باشد. همچنین شخصیت‌های مسئول لیبرالی که هنوز در خارج از کشور زندگی می‌کنند، می‌توانند نقش مهمی در ان روند داشته باشند. آنها باید به کشور بازگردند. موقعیت کنونی از هر زمان دیگری آماده‌تر است تا انتقام جوئی و قدرت طلبی و درگیریهای جزئی به خاک سپرده شوند. نیروهای لیبرال و دمکرات باید متحدان کشور را به صلح برسانند.

برگردان: بهرام بهاری-آلمان

برای اشتراک نشریه "کار" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپرستی و یار سیدبانکی بر داخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایند.

اروپا	دیگر نقاط
بهای اشتراک نشریه "کار" ۰ شش ماهه ۴۵ مارک ۵۲ مارک	
یک ساله ۹۰ مارک ۱۰۴ مارک	
آدرس کامل (لطفا خوانا بنویسید):	

 KAR Vol.3 No.21 Wed 16.OCT 1991	 ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
حساب بانکی: M.ABD NR-35263011	کد بانک: 37050198 Stadsparkasse Köln GERMANY
آدرس: Ruzbeh Postfach 1810 5100 Aachen Germany	آدرس: M.ABD NR-35263011 37050198 Stadsparkasse Köln GERMANY